

رهبر انقلاب در پاسخ به نامه‌های جمعی از دانشجویان کشور مطرح کردند

«هم‌عهدی» برای ساخت آینده درخشان

۱



«آگاه» در پرونده ویژه خود به تحلیل برگزاری انتخابات صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی پرداخت

با آثار و گفتاری از:

علی اصغر بهشتی، محسن پاک‌آیین
یوسف پورچم، محمد رضا بابایی
محمد چلیلی و سید امین حجازی

باد در لانه عنکبوت

رهبر انقلاب در پاسخ به نامه‌های جمعی از دانشجویان کشور مطرح کردند

«هم‌عهدی» برای ساخت آینده درخشان

برای این مقصود، هر چه می‌توانید خودتان را به سلاح علم و ایمان و تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مجهز کنید و با کار و ابتکار مضاعف بروقت و اقتدار ایران عزیز بیفزایید تا به دعای مولای مهربانان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، پیمودن مسیر لشکریان هم‌عهد به سمت قله‌های پیشرفت و تمدن اسلامی-ایرانی هر چه بهتر و سریع‌تر محقق شود، ان‌شاء‌الله.

سیدمرتضی حسینی خامنه‌ای

۱۳۰۵/۶

فراوان شما دانشجویان جوان و پرانگیزه متشکرم و برای همه شما که حقی برگردن اینجانب قرار داده‌اید، دعاگوئی خاص خواهم داشت. در نامه‌های شما و بسیاری از جوانان و دانشجویان که این حقیر را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهند، عزم و اراده و احساس مسئولیت برای ساختن آینده رهبری و جوانان دانستند و بر مجهز شدن به سلاح علم و ایمان و تهذیب نفس و تلاش مضاعف برای افزایش قوت و اقتدار ایران تاکید کردند.

حضرت آیت‌الله سیدمرتضی خامنه‌ای، رهبر انقلاب، در پاسخ به نامه‌های جمعی از دانشجویان سراسر کشور که طی ماه‌های اخیر برای معظم‌له ارسال کرده‌اند، عزم و اراده و احساس مسئولیت آنان برای ساختن آینده رارشته اتصال «هم‌عهدی، میان رهبری و جوانان دانستند و بر مجهز شدن به سلاح علم و ایمان و تهذیب نفس و تلاش مضاعف برای افزایش قوت و اقتدار ایران تاکید کردند.

متن پاسخ رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسمه تعالی؛ سلام به فرزندان عزیزم؛ نامه‌های پرمهرتان را خواندم. از الطاف



خواب پریشان سردسته تروریست‌ها



سیدمرتضی مفیدنژاد

روزنامه‌نگار

انتخابات در سرزمین‌های اشغالی بالاخره به ایستگاه پایانی رسید و کشوری که محل تجمع و تراکم تروریست‌هاست و سابقه‌ای جز خونریزی و تجاوز ندارد، پای صندوق‌های رای رفتند تا در نهایت تعیین کنند که چه کسی قرار است سردسته تروریست‌ها شود. فارغ از اینکه چه کسی به عنوان نخست‌وزیر غده سرطانی خاورمیانه مشخص می‌شود ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

الف) انقلاب اسلامی نه تنها از نظر استراتژیک، بلکه از نظر الهام بخشی به جنبش‌های اسلامی و مقاومت مسلمانان در منطقه، تأثیر عمیقی گذاشت. پیش از انقلاب اسلامی، گروه‌های اسلام‌گرای مسلح در فلسطین وجود نداشتند. اگرچه اخوان المسلمین به عنوان یک جنبش اسلامی قدیمی فعالیت می‌کرد، اما جنبش‌های مسلحانه اسلامی، مانند جهاد اسلامی، پس از انقلاب اسلامی شکل گرفتند. نخستین بار حزب الله تشکیل شد و بعد فلسطینی‌ها دیدند که همسایگی آنها گروهی مسلح در برابر رژیم صهیونیستی مقاومت می‌کند. حزب الله لبنان نیز که در مراحل اولیه تنها یک گروه کوچک بود، با سلاح‌های سبک، بمب‌گذاری‌ها و عملیات‌های شهادت طلبانه فعالیت می‌کرد و توانست موفقیت‌های بزرگی کسب کند. این موفقیت‌ها، مانند عقب‌نشینی اسرائیل از رودخانه الاوادی، الهام‌بخش فلسطینی‌ها شد. آنها می‌دیدند که یک گروه کوچک می‌تواند با مقاومت و ایستادگی، رژیمی قدرتمند را به عقب‌نشینی وادار کند. اقدامات حزب الله الهام‌بخش بسیاری از فلسطینی‌ها شد، چراکه موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن را به وضوح می‌دیدند. این تأثیرگذاری منجر به تشکیل اولین هسته‌های مقاومت اسلامی به رهبری فتحی شقاقی شد. این مقاومت اسلامی تفاوت زیادی با گروه‌های پیشین، مانند چریک‌های فدایی چپ‌گرا، داشت که تجربه تلخ و شکست خورده‌ای را پشت سر گذاشته بودند. جهاد اسلامی به روشنی امام (ره) را الهام‌بخش خود قرار می‌داد. همین یک نکته کوچک و دلایل واضح و روشن کافی است تا بفهمیم موضع واقعی رهبران رژیم اشغالگر صهیونیستی نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چیست، ب) شکست بنیادین ایدئولوژی، صهیونیسم، در برابر قدرت الهی و مردمی انقلاب اسلامی هم مقوله‌ای است که نباید از کنار آن به سادگی گذشت. در روزگاری شعار رهبران رژیم اشغالگر از نیل تا فرات بود و پیش از انقلاب، رژیم اشغالگر تلاش می‌کرد خود را تنها قدرت مدرن و تکنولوژیک منطقه معرفی کند، اما انقلاب اسلامی ثابت کرد که «اراده برخاسته از ایمان، می‌تواند بر تکنولوژی نظامی و ماشین ترور پیشرفته غلبه کند. این موضوع، رژیم را با یک بحران هویت عمیق مواجه کرد، زیرا آنها متوجه شده‌اند که با گروه‌هایی روبه‌رو هستند که نه برای منافع سیاسی، بلکه برای اهداف متعالی و با روحیه شهادت طلبی می‌جنگند. این نوع مقاومت، محاسبات کلاسیک رژیم مبنی بر «بازارزدگی نظامی» را بی‌اثر کرد. نکته مهم ما چرا اینجااست که انقلاب اسلامی ایران با ایجاد جبهه مقاومت کاری کرد که رژیم منحوس به خوبی در دایره و محاصره آنها گیر افتاد به گونه‌ای که مجبور به عملیات‌های متعدد در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته شد.

ج) باید این موضوع را در یادیم که آنچه در رژیم اشغالگر صهیونیستی تغییر نخواهد کرد کینه و عداوت دیرینه با جبهه مقاومت و محوران یعنی جمهوری اسلامی ایران است. هیچکس در این رژیم نامشروع بر سر کار نخواهد آمد مگر اینکه رؤیای شوم نابودی و سرنگونی نظامی اسلامی ایران را در سر بپوراند که صد البته در درجدهان رؤیا خواهد ماند و به زودی و با پیش‌بینی رهبر شهید انقلاب با فروپاشی کامل سیستم این رژیم، تمام رؤیاهای نامشروع‌شان دفع خواهد شد.

انتخابات کنست ۲۰۲۶ فاقد یک افق سیاسی امیدوارکننده بود

صندوق‌های بی‌ثباتی برای رژیم غاصب

تعداد کرسی‌هایش به شدت افول می‌کند. لذا ورود احزاب فلسطینی نیز چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. در این شرایط محتمل‌ترین سناریو این است که این انتخابات بدون تشکیل ائتلاف، به نتیجه نرسیده، موجب انحلال مجدد کنست و برگزاری انتخابات جدید شود. اگر این اتفاق بیفتد زمانی بین چهار تا ۶ ماه دیگر باید انتخابات جدید در رژیم صهیونیستی برگزار شود، چرا که اگر حزب اول در فرصت چهار هفته نتواند ائتلاف ایجاد کرده، انحلال کنست در همان فرصت اولیه اعلام شود، چهار ماه دیگر انتخابات برگزار خواهد شد. اگر حزب اول دو هفته فرصت تمدید را نیز بخواهد و پس از آن اعلام انحلال کنست شود، انتخابات بعدی ۴٫۵ ماه بعد برگزار خواهد شد. اگر حزب دوم در چهار هفته فرصت خود اعلام عدم موفقیت در تشکیل ائتلاف کند، انتخابات بعدی ۵٫۵ ماه دیگر برگزار خواهد شد و اگر حزب دوم از دو هفته فرصت تمدید نیز استفاده کرده، سپس اعلام انحلال کنست شود، ۶ ماه دیگر انتخابات جدید برگزار خواهد شد.

سناریوهای تشکیل ائتلاف

محتمل‌ترین گزینه برای تشکیل کابینه این است که حزب «باشاره» به رهبری «گادی آیزنکوت»، به عنوان رهبر جریان اپوزیسیون – که در حال حاضر بیشترین کرسی را اختیار دارد- بتواند با سایر احزاب هم‌پیمانش، در انتخابات دست کم ۵۶ کرسی کسب کند. آنگاه حزب فلسطینی «عام» به رهبری منصور عباس، را نیز با شرط عدم ورود در کابینه و صرفاً با شرط همراهی با کابینه در کنست، در ائتلاف خود وارد کند. در این صورت احتمال تشکیل ائتلاف و ایجاد کابینه توسط اپوزیسیون وجود خواهد داشت. در حال حاضر جریان اپوزیسیون به دنبال این هدف است اما معلوم نیست بتواند این ائتلاف را به وجود آورد. در سناریوی دیگر، اگر ائتلاف کابینه به رهبری حزب «لیکود»، به ریاست «بنیامین نتانیا‌هو»، بتواند دو حزب «مردم اسرائیل» به ریاست «عوفر یوئنتز» و حزب «نیروهای ذخیره» به رهبری «یوآز هاندل» را نیز در کنار خود جذب کند. این منوط به آن است که این دو حزب از حد نصاب حداقل ۳۳٫۲۵ کرسی در انتخابات عبور کرده، دست‌کم چهار کرسی در انتخابات به دست آورند که هنوز این مسئله در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. البته جذب حزب «عام» به ریاست «منصور عباس» از سوی «نتانیا‌هو»، با همان شرط، عدم ورود به کابینه، می‌تواند گزاره تشکیل ائتلاف و ایجاد کابینه باشد. اما این گزاره نیز ضعیف است. چرا که حزب «عام» حدود پنج کرسی در اختیار دارد و «نتانیا‌هو»، تنها در صورتی می‌تواند با جذب این حزب، تشکیل ائتلاف دهد که دست‌کم ۵۶ کرسی کسب کند. که در حال حاضر تعداد کرسی‌هایش بسیار کمتر از این میزان (۵۰ کرسی) است.

تشکیل کابینه در رژیم صهیونیستی همان‌گونه که اشاره شد بر عهده حزبی است که بیشترین تعداد کرسی را کسب کرده باشد. پس از مراسم سوگند نمایندگان کنست، رئیس رژیم صهیونیستی که نتایج نهایی را از رئیس کمیته انتخابات دریافت کرده، رئیس حزب اول را مامور تشکیل کابینه می‌کند. اما از آنجا که دولت با کابینه باید با اکثریت کرسی‌های کنست (نصف به علاوه یک) تشکیل شود، اگر حزبی که بیشترین تعداد کرسی را کسب کرده، تعداد کرسی‌هایش نصف به علاوه یک یا بیشتر نباشد، باید با کمک سایر احزاب حاضر در کنست، تشکیل ائتلاف دهد. مجموع کرسی‌های این ائتلاف باید نصف به علاوه یک یا بیشتر باشد. به حزبی که بیشترین کرسی را کسب کرده چهار هفته فرصت داده می‌شود برای ایجاد کابینه، ائتلاف تشکیل دهد. این فرصت، با درخواست حزب اول کنست می‌تواند دو هفته نیز تمدید شود. اگر پس از گذشت این فرصت، حزب اول نتواند تشکیل ائتلاف داده، کابینه را ایجاد کند، این فرصت می‌تواند به حزب دوم داده شود. اما واگذاری این فرصت به حزب دوم، منوط به تأیید رئیس رژیم صهیونیستی است. فرصت‌های چهار هفته و دو هفته تمدید به حزب دوم نیز داده خواهد شد. اما اگر این حزب نیز نتواند ائتلاف برای تشکیل کابینه ایجاد کند، آنگاه به طور خودکار کنست – که در انتخابات جدید تشکیل شده- منحل می‌شود و از تاریخ انحلال کنست، سه ماه بعد انتخابات جدید برگزار خواهد شد.

در نظرسنجی‌ها چه می‌گذرد؟

در آخرین نظرسنجی‌هایی که پیش از انتخابات رژیم صهیونیستی صورت گرفت، نشان داده شد، ائتلاف کابینه نتانیا‌هو، امکان کسب حدود ۵۰ کرسی را دارد. ائتلاف اپوزیسیون نیز به طور میانگین، می‌توانست حدود ۵۴ کرسی را اختیار بگیرد. اما پس از برگزاری انتخابات، ائتلاف نتانیا‌هو، از اپوزیسیون پیش افتاد و جایگاه این دو جناح با یکدیگر تغییر کرد. اما با این شرایط نیز هیچ‌یک از این دو جریان امکان تشکیل کابینه را نخواهند داشت، مگر آنکه با احزاب فلسطینی ائتلاف کنند. گزینه دیگر این است که دو حزب مردم اسرائیل، به ریاست «عوفر یوئنتز» و حزب «نیروهای ذخیره»، به رهبری «یوآز هاندل»، به یکی از ائتلاف‌ها بپیوندند. اما نکته مهم آن است که این دو حزب اخیر در لبه پرتگاه حضور در کنست قرار دارند. چرا که آنها در برخی نظرسنجی‌ها حداقل کرسی لازم (۳۳٫۲۵ کرسی) برای ورود به کنست را کسب نکرده‌اند. لذا احتمال ورود آنها به کنست در محاق قرار دارد.

در نقطه درگورد احزاب فلسطینی به ائتلاف‌ها برای تشکیل کابینه، به شدت از سوی جامعه صهیونیستی طرد شده، هر حزبی که این مسئله را مطرح می‌کند،

ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی، ساختار پارلمانی حزبی است. به این معنی که کابینه و قوه مجریه از دل انتخابات پارلمان – که در رژیم صهیونیستی، کنست نامیده می‌شود- بیرون می‌آید. در این نظام – که با سایر نظام‌های پارلمانی تفاوت‌هایی دارد- نظام انتخاباتی، نظام رأی‌گیری نسبی است. در نظام رأی‌گیری نسبی، رأی دهندگان به احزاب رأی می‌دهند نه اشخاص. آنگاه براساس رأی کسب شده توسط هر حزب، حزبی که بیشترین تعداد کرسی پارلمان، یا همان کنست، را به دست آورد، مسئول تشکیل کابینه خواهد بود.

پیش از برگزاری انتخابات، در رژیم صهیونیستی، باید هریک از واجدان شرایط شرکت در انتخابات، در حوزه رأی‌گیری که قصد دارد در آنجا رأی بدهد، ثبت‌نام کند. روند ثبت‌نام حدود دو هفته قبل از برگزاری انتخابات اعلام می‌شود و واجدان شرایط رأی دادن باید در همان شعبه‌ای که قصد دارند روز انتخابات رأی بدهند، ثبت‌نام کنند. پس از پایان انتخابات، تعداد قطعی آرا اعلام می‌شود. تعداد آرای صحیح اخذ شده تقسیم بر ۱۲۰ کرسی کنست شده، میزان رأی که برای کسب هر کرسی لازم است، تعیین می‌شود. بر همین اساس هر حزب براساس تعداد آرای که کسب کرده، مشخص می‌شود چند کرسی در کنست کسب کرده است. در اینجا یک شرط ورود به کنست نیز برای احزاب وجود دارد. تنها احزابی می‌توانند وارد کنست شوند که دست‌کم آرای به اندازه ۳۳٫۲۵ کرسی‌های کنست را کسب کنند و اگر حزبی این تعداد رأی را به دست نیاورد، نمی‌تواند وارد کنست شود.

سوگند اعضای کنست

پس از اعلام نتایج و میزان رأی لازم برای هر کرسی، براساس فهرستی که هر حزب از قبل به کمیته مرکزی انتخابات اعلام کرده، اعضای کنست معرفی می‌شوند. بدین گونه که اگر حزبی مثلاً ۶ کرسی کسب کرده باشد، ۶ نفر اول فهرستی که آن حزب به کمیته انتخابات از قبل اعلام کرده، به عنوان نمایندگان آن حزب، وارد کنست می‌شوند. با مشخص شدن اسامی نمایندگان هر حزب، یک روز پس از اعلام نتیجه نهایی – که معمولاً ۲۴ ساعت پس از اعلام نتیجه نهایی انتخابات است یعنی یک هفته پس از اعلام نتیجه اولیه است – کسانی که به عنوان نماینده وارد کنست شده است، در جلسه‌ای رسمی، سوگند یاد می‌کنند.



عراقچی، وزیر امور خارجه:

امنیت منطقه باید بدون مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای تامین شود

پنج‌شنبه/ ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

گزارش «آگاه» درباره انتخابات رژیم صهیونی را بخوانید

طبل رسوایی در سرزمین‌های اشغالی

آنچه در ظاهر رقابت برای صندلی نخست‌وزیری است، در باطن، بازتابی از بحران وجودی است که رژیم صهیونیستی را از درون می‌جوشاند. این انتخابات، «طبل رسوایی» ساختاری است که بر پایه غضب و استعمار بنا شده است.

نتانیاوو فریب ساکنان سرزمین‌های اشغالی

تصاویر و گزارش‌هایی که از انتماس و گدایی رای توسط بنیامین نتانیاوو و جریان راست افراطی منتشر شد، فراتر از تاکتیک انتخاباتی ارزیابی می‌شود. وقتی شخصیتی ادعای قدرت مطلق می‌کند اما به گدایی رأی روی می‌آورد، یعنی هیچ در چنته ندارد، دستان‌شان کاملاً خالی است و سرمایه سیاسی و اجتماعی‌اش اقول کرده، آنچه گفته شد کاملاً در کنشگری‌های، نتانیاووی تروریست، یافت می‌شود به طوری که حتی درمیان شهرک‌نشینان و راست‌گرایان، نوعی ناامیدی از مدل مدیریتی او شکل گرفت. این گدایی، اعتراف به شکست در ایجاد امنیت است؛ امنیتی که نتانیاوو سال‌ها با وعده جنگ با ایران و مقاومت، سعی کرد با آن مردم سرزمین‌های اشغالی خود را فریب دهد.

ماچرا از آنجا جالب‌تر می‌شود که در فضای انتخاباتی اسرائیل، رقیب نتانیاوو (آیزنکوت) با شعار تغییر، سعی دارد تصویری از جایگزین میانه‌رو ارائه دهد. بر همین اساس وی در واکنش به نتایج انتخابات کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) گفت: «مردم رژیم اسرائیل به تغییر رویه ادامه نخست‌وزیری بنیامین نتانیاوو رای داده‌اند؛ اما حقیقت آن است، هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی در تل آویو، به دنبال پایان دادن به ماهیت اشغالگرانه رژیم نیستند. بنابراین، هرگونه ادعای تغییر، در اصل فریب سیاسی برای آرام کردن افکار عمومی داخلی و بین‌المللی است تا چهره‌ای انسانی‌تر از موجودیت تروریستی خود به جهان نشان دهند.

چرا آمریکا در انتخابات رژیم اسرائیل دخالت کرد؟

بخش تکان‌دهنده این انتخابات، دخالت آشکار آمریکا و شخص دونالد ترامپ است؛ طبق گزارش الجزیره رئیس‌جمهور آمریکا با ادعای اینکه اعلام حمایت وی از نتانیاوو باعث شده روند امور تغییر کند، گفت: «نتانیاوو به جای یک شکست سنگین به نظر می‌رسد به سمت یک بازگشت قدرتمند در حرکت است؛» مرد دیوانه کاخ سفید ادعایش را در حالی مطرح کرد که هیچ‌کدام از جریان‌های شرکت‌کننده در انتخابات رژیم صهیونیستی هنوز



جلسه هیات دولت به ریاست پزشکیان برگزار شد

دستور راهبردی رهبر انقلاب در اولویت دولت

دشواری‌ها و محدودیت‌ها می‌تواند فرصتی برای بازنگری در فرآیندهای ناکارآمد، رفع موانع کاری‌ها و مدیریت هزینه‌های غیرضروری باشد. رئیس‌جمهور تأکید کرد: اصلاح ساختارهای موانع، سامان‌دهی سازمان‌های مرتبط، بررسی امکان ادغام واحدهای هم‌پوشان و تعطیلی ساختمان‌ها و مجموعه‌های بی‌پارزه یا کم‌پارزه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های جاری و حفظ آمادگی دستگاه‌های اجرایی برای مواجهه با شرایط مختلف کمک کند. پزشکان افزود: تحقق این اهداف از طریق دعوت‌نامه پهنه تجهیزات، منابع مالی و نیروی انسانی امکان‌پذیر است و دستگاه‌های اجرایی باید با بازنگری در شیوه‌های فعالیت خود، زمینه استفاده موثرتر از ظرفیت‌های موجود را فراهم کنند.

دعوت از مردم و نهادهای اجتماعی برای مشارکت در مدیریت مصرف

رئیس‌جمهور در ادامه، با تأکید بر نقش مشارکت عمومی در عبور از شرایط دشوار، خواستار همراهی مردم، مسئولان، فعالان سیاسی، فرهنگیان، روحانیت و رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی، برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی و ملی شد. پزشکان مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف را از الزامات اساسی عبور موفق از محدودیت‌ها دانست و خاطرنشان کرد: تقویت تاب‌آوری بدون اصلاح الگوی مصرف و مدیریت تقاضا امکان‌پذیر نیست. با مشارکت عمومی، صرفه‌جویی و استفاده مسئولانه از منابع می‌توان شرایط موجود را به شکل مطلوب‌تری مدیریت کرد و از ظرفیت‌های کشور برای تأمین نیازهای اساسی و حفظ پایداری خدمات بهره گرفت. در بخش دیگری از جلسه هیات دولت رئیس‌بنیاد شهید و امور ایثارگران، تابلوی تصویری شهیده آویبا بزرگ، کودک دوساله‌ای که در حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی در لامرد به شهادت رسید، را به نمایش گذاشت. آویبا شهیده به رئیس‌جمهور اهدا کرد.

پزشکان در این بخش، با اشاره به پیگیری موضوع شهادت غیرنظامیان و کودکان ایرانی در معامع بین‌المللی، اظهار کرد: در

اظهار کرد، با وجود گمانه‌زنی‌ها درباره این اختلافات، وضعیت سیاسی نتانیاوو و احتمال پیروزی مخالفان وی موجب شده است ترامپ به صورت علنی از او حمایت کند. با این حال، مواضع منتشرشده در رسانه‌های سرزمین‌های اشغالی نشان می‌دهد، این حمایت به‌تنهایی نمی‌تواند پیروزی نتانیاوو را تضمین کند. کارشناس مسائل آمریکا با اشاره به نقش مسائل امنیتی در تصمیم‌گیری انتخاباتی ساکنان سرزمین‌های اشغالی، گفت: جامعه یهودیان ساکن این مناطق از دیدگاه‌ها و جریان‌های سیاسی متفاوتی تشکیل شده است و موضوع امنیت برای بخش مهمی از این جامعه اهمیت دارد. از همین رو، جریان سیاسی حامی نتانیاوو تلاش می‌کند با برجسته‌سازی تهدید ایران، ضرورت مقابله با این تهدیدها را در کانون رقابت‌های انتخاباتی قرار دهد.

مکی درخصوص دیدگاه جریان مخالف نتانیاوو، تصریح کرد، این جریان که آیزنکوت از چهره‌های شاخص آن به‌شمار می‌رود، با تفسیر امنیتی نتانیاوو و اولویت بخشی به مسئله ایران موافق نیست و این موضوع را در صدار ولایت‌های رژیم صهیونیستی قرار نمی‌دهد. وی با بیان اینکه این اختلاف دیدگاه‌ها شکافی سیاسی توجیه به جامعه صهیونیستی ایجاد کرده است، تصریح کرد: تقویت جریان راست در سال‌های گذشته و حضور طولانی‌مدت نتانیاوو در قدرت، نشان‌دهنده برخورداری این جریان از پایگاه اجتماعی قابل توجه است؛ بنابراین، نمی‌توان مخالفت بخشی از جامعه با سیاست‌های نتانیاوو را به معنای از میان رفتن حمایت‌ها از وی دانست.

کارشناس مسائل آمریکا، انزوای منطقه‌ای و جهانی رژیم صهیونیستی در سال‌های پس از عملیات هفتم اکتبر را از محورهای انتقاد مخالفان نتانیاوو عنوان کرد و افزود: در مقابل رویکرد راست افراطی، دیدگاهی وجود دارد که تثبیت موقعیت رژیم صهیونیستی در منطقه را مستلزم بازنگری در سیاست‌های جاری می‌داند. مکی با اشاره به نظرسنجی‌های انتخاباتی تأکید کرد: «با توجه به فاصله احتمالی نظرسنجی‌ها با نتایج واقعی انتخابات، نمی‌توان از پیش درباره پیروزی قطعی ائتلاف نتانیاوو یا مخالفان او اظهار نظر کرد و ارزیابی دقیق‌تر به روشن شدن نتایج انتخابات بستگی دارد.» به هر حال هنگامی که ترامپ ادعا می‌کند، حمایت او مانع شکست سنگین نتانیاوو شده، در واقع دارد پرمی‌دهد، سند مالکیت سیاسی اسرائیل متعلق به ما (آمریکایی‌ها) است.



در همین جا، یادگفته‌های سیدجواد رضویان در سریال در حاشیه افتادیم، او تیکه جالبی را باب کرد و می‌گفت «اینجی واس ماس»، ترامپ هم با وقاحت تمام سرزمین قدس را ملک آمریکایی‌ها می‌داند و به هر شکل ممکن درصد است از واشنگتن برای تل آویو تعیین، تکلیف کند. هرچه نباشد آنجا حیط خلوت آمریکایی‌هاست!

به اصل گزارش ورود کنیم. این حقیقت بار دیگر ثابت می‌کند اسرائیلی‌ها نه در تل آویو، در واشنگتن اداره می‌شوند. رژیم صهیونیستی حتی برای تعیین سرزنش داخلی‌اش، محتاج تأیید رئیس‌جمهور فغلی یا آینده آمریکا است. این وابستگی، نشان می‌دهد، این رژیم هرگز دولت مستقل نبوده و نیست. بازویی نظامی برای پیشبرد منافع استعماری آمریکا در خاورمیانه است.

دوقطبی‌های اسرائیل: سگ زرد برادر شغال است

در مجموع، چه نتانیاوو با تمام لجاجت‌هایش بازگردد و چه چهره‌ای جدید به قدرت برسد، این رژیم و ایالات متحده آمریکا به ریاست جمهوری دموکرات‌ها یا جمهوریخواهان، همچنان دشمن شماره یک جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت باقی خواهند ماند. بهتر است بگوییم «سگ زرد برادر شغال است، غاصب» را تغییر دهد. انتخابات اخیر تنها این نکته را ثابت کرد، رژیم صهیونیستی در داخل با گسست‌های عمیق اجتماعی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند. حمایت‌های ترامپ و امثال او، شاید عمر سیاسی نتانیاوو را طولانی کند، اما نمی‌تواند جلوی زوال تدریجی این موجود منحوص و اشغالگر را بگیرد. این رژیم، با تمام ادعاهایش، امروز بیش از هر زمان دیگری در تاریخ خود، لرزان و وابسته است.

یادی از فرمایش تاریخی و مهم رهبر شهید انقلاب کنیم. ایشان در سال ۹۶ در دیدار افشار مختلف مردم که پس از پایان مذاکرات هسته‌ای بود فرموده بودند: «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. ان شاء الله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه اسلامی مبارزو حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بنادند.»



تقویت سازوکارهای مشترک امنیتی و جلوگیری از گسترش تنش‌ها و درگیری‌ها تأکید شد. براساس این گزارش در جلسه چهارجانبه ایران، پاکستان، ترکیه و عربستان ضمن اشاره به تحولات امنیتی منطقه، نسبت به پیامدهای سیاست‌های رژیم صهیونیستی در تضعیف کشورهای منطقه، گسترش دامنه تجاوزات، ایجاد زمینه‌های تجزیه و تضعیف دولت‌های منطقه و کساندن پای آمریکا به درگیری‌های منطقه‌ای به عنوان سیاست قطعی این رژیم هشدار داده شد. در این چارچوب، بر ضرورت هو شیاری کشورهای منطقه در برابر روندهای تنش‌زا و تقویت همکاری‌های جمعی برای حفظ ثبات، تمامیت ارضی کشورها و جلوگیری از گسترش دامنه منازعات تأکید شد.

گزارش سازمان مدیریت بحران

از اقدامات انجام‌شده و برنامه‌های پیش رو

در ادامه جلسه، گزارشی از اقدامات و برنامه‌های سازمان مدیریت بحران کشور در دو سال گذشته ارائه شد. این گزارش، اقدامات انجام‌شده در زمینه پیشگیری، آمادگی، پاسخ و مدیریت پیامدهای بحران‌های طبیعی و انسان‌ساخت، از جمله سیل و زلزله و همچنین برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای ارتقای ظرفیت‌های عملیاتی و هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول را دربر گرفت.

خانواده‌های داغدار و همه ما توان و صبر عنایت‌کند تا بتوانیم در برابر این حوادث ایستادگی کرده و در مسیر پاسداری خون‌شهدا مسئولانه عمل کنیم و شرمنده آنها نشویم.

ارائه گزارش وزیر امور خارجه از تحولات دیپلماتیک و رابینتی‌های منطقه‌ای

در ادامه جلسه هیات دولت، وزیر امور خارجه گزارشی از آخرین تحولات دیپلماتیک و رابینتی‌های انجام‌شده درباره مسائل مرتبط با ایران و آمریکا ارائه کرد.

براساس این گزارش، موضوعات مطرح‌شده در جریان سفرهای قطری و رئیس‌ارتش پاکستان و همچنین رایزنی‌های صورت‌گرفته با سه مقام بلندپایه از عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه، با محوریت تحولات منطقه‌ای و روند گفت‌وگوهای مرتبط، تشریح شد. در ادامه جلسه، گزارشی از سفر رئیس‌جمهور به مسکو و دیدارها و گفت‌وگوهای انجام‌شده در این سفر ارائه شد. در تشریح ایجاد این سفر و تحولات دیپلماتیک منطقه، بر نقش مقاومت ملت ایران، اقتدار نیروهای مسلح، مدیریت دستگاه‌های اجرایی و رهبری و تدابیر مقام رهبری در تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید شد. در تشریح پیام سفر مقام‌های بلندپایه عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه به ایران، بر اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای،



پرونده ویژه

پنج‌شنبه / ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری؛ بازگشایی موزه‌ها منوط به اعلام شرایط باثبات از سوی نهادهای امنیتی است



۳

اتلافی و احتمال تکرار انتخابات منجر شود. این مرکز همچنین بیان کرده بود که نبود مسیر روشن برای دستیابی هریک از دو اردوگاه به اکثریت ۶۱ کرسی، ممکن است آینده سیاسی رژیم صهیونیستی و روابط آن با آمریکا را تا بخش قابل توجهی ازسال ۲۰۲۷ نامشخص نگه دارد. در صورت شکست مذاکرات، نتانیاهاو می‌تواند تا زمان تشکیل دولت جدید در مقام نخست‌وزیر دولت موقت باقی بماند. این وضعیت برای او فرصتی برای ادامه مذاکرات و حفظ جایگاه سیاسی فراهم می‌کند، اما در عین حال ممکن است توان دولت برای تصمیم‌گیری‌های مهم و رسیدگی به فشارهای اقتصادی را محدود کند.

هزینه‌های جنگ، فشار بر بودجه عمومی و افزایش هزینه‌های زندگی از جمله موضوعاتی هستند که دولت آینده باید به آنها رسیدگی کند. ادامه بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای را دشوارتر کند و بر اعتماد فعالان اقتصادی اثر بگذارد. انتخابات مجدد نیز لزوماً بحران را حل نخواهد کرد؛ زیرا اگر آرایش احزاب و اختلافات درونی آنها تغییر نکنند، نتیجه رأی‌گیری بعدی ممکن است با دیگر به‌کستی بدون اکثریت روشن منجر شود.

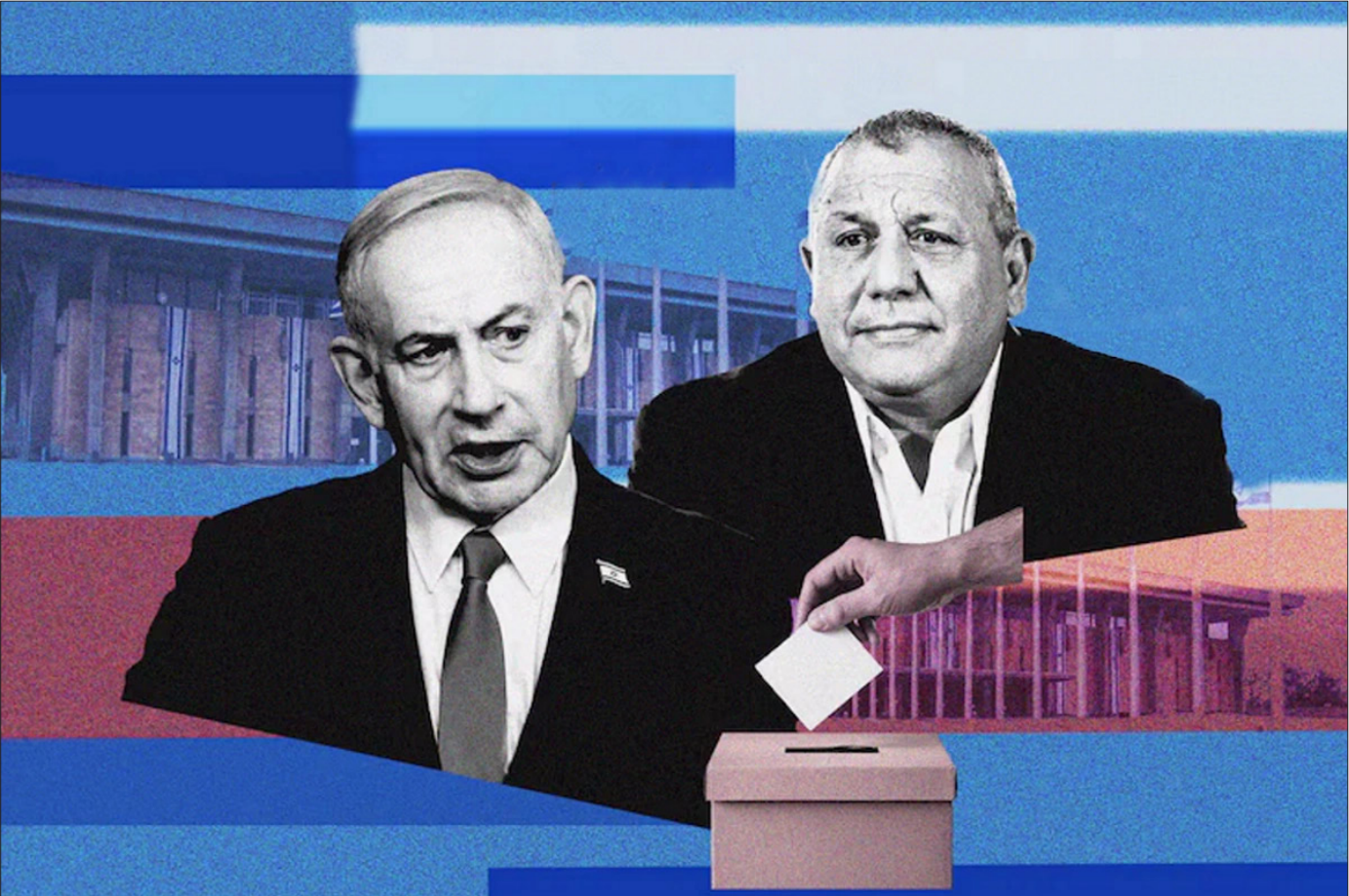
شکاف‌های داخلی؛ مسئله‌ای فراتر از نام نخست‌وزیر تحلیل‌های اندیشکده‌های مختلف نشان می‌دهد که اختلافات داخلی رژیم صهیونیستی صرفاً به رقابت شخصی نتانیاها و آیزنکوت محدود نمی‌شود. مسئولیت شکست امنیتی هفتم اکتبر، خدمت‌سربازی حری‌دی‌ها، اصلاحات قضایی، هزینه‌های زندگی و نحوه توزیع مسئولیت‌های نظامی و اقتصادی، از جمله مسائلی هستند که دولت آینده باید درباره آنها تصمیم بگیرد. موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل در تحلیل‌های خود، اردن به انتخابات، نوشته است؛ «انتخابات پیش روی اسرائیل در مصر و اردن صرفاً مسئله‌ای داخلی در اسرائیل تلقی نمی‌شود؛ بلکه رسانه‌های جریان اصلی در هر دو کشور آن را نقطه عطفی راهبردی توصیف می‌کنند که می‌تواند بر منافع مستقیم آنها، آینده مسئله فلسطین و چشم‌انداز گسترده‌تر منطقه تأثیر بگذارد.» این موسسه همچنین تأکید کرد که کشورهای همسایه، اسرائیل را عمدتاً بر اساس عملکردش در عرصه منطقه‌ای و فلسطین ارزیابی می‌کنند. در همین حال شورای آتلانتیک در تحلیل پیش از انتخابات، با استناد به نظرسنجی موسسه دموکراسی اسرائیل نوشت؛ «موضع یک حزب درباره سیاست خارجی و امنیت و موضع آن درباره اقتصاد و هزینه‌های زندگی، دو عامل اثرگذار در تصمیم رأی‌دهندگان یهودی در روز انتخابات هستند.» این اندیشکده آمریکا می‌همچنین درباره راه‌حتمت عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر نوشت؛ «در میان مسائل مشخصی که با نزدیک شدن به انتخابات ذهن اسرائیلی‌ها را به خود مشغول کرده‌اند، حملات هفتم اکتبر از مهم‌ترین آنهاست.» به نوشته این مرکز، مسئله روابط با آمریکا در اهمیت سربازی یزبکی از موضوعات محوری کارزار انتخاباتی است. این مسائل نشان می‌دهد دولت آینده، صرف‌نظر از بهران، با مطالباتی روبه‌رو خواهد بود که فراتر از تغییر ترکیب کابینه است.

پیامدهای منطقه‌ای؛ از ایران تا روابط با آمریکا

سرنوشت دولت آینده رای سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی نیز اهمیت دارد. ایران، غزه، لبنان، کرانه باختری و روابط با آمریکا از پرنده‌های حساس هستند که دولت آینده ناگزیر به مواجهه با آنها خواهد بود. با این حال، تغییر نخست‌وزیر به‌تنهایی تصمیم‌کننده تغییر راهبر نیست. موسسه خاورمیانه آمریکا در آستانه انتخابات، پرسش محوری خود را این‌گونه مطرح کرد؛ «نتایج متفاوت انتخابات چگونه می‌تواند رویکرد اسرائیل در قبال ایران، غزه، کرانه باختری، لبنان و سوریه را شکل دهد؟ تأثیر آن بر روابط با ایالات متحده، کشورهای اروپایی و شرکای قدیمی و جدید منطقه، از جمله مصر، اردن و امارات متحده عربی، چه خواهد بود؟» این مرکز همچنین نیز برای حفظ قدرت به حمایت متحدها سیاست داخلی، از جمله روابط قوه قضاییه و قوه مقننه، مسئله سربازی حری‌دی‌ها و افزایش فشارهای مالی پس از سال‌ها جنگ مطرح کرد. بر این اساس، ارزیابی نتیجه انتخابات تنها به ترکیب کابینه محدود نمی‌شود، بلکه توان دولت آینده برای مدیریت همزمان پرونده‌های امنیتی منطقه‌ای و چالش‌های اقتصادی داخلی از نیز در بر می‌گیرد.

در حوزه ایران، موسسه آمریکایی کوئینسی در تحلیل خود از چشم‌انداز دولت آینده رژیم صهیونیستی، تصریح کرده است؛ «در اسرائیل، درباره ایران اجماعی قدرتمند برای ادامه مقابله با تهران وجود دارد. اختلاف‌ها بر سر کارآمدی و مدیریت روابط با متحدان است، نه راهبردهای اصلی.» این تحلیل همچنین تأکید می‌کند که سیاست رژیم صهیونیستی در قبال ایران، صرف‌نظر از اینکه چه کسی نخست‌وزیر شود، احتمالاً تغییر بنیادینی نخواهد کرد. بر این اساس، اختلاف میان نتانیاها و برخی رقبایش بیش از آنکه به اصل رویکرد امنیتی مربوط باشد، می‌تواند در مدیریت روابط با آمریکا، نحوه تصمیم‌گیری و ارزیابی هزینه‌های سیاست منطقه‌ای بروز کند. بنابراین، تغییر دولت ممکن است در شیوه مدیریت تنش‌ها موثر باشد، اما به‌تنهایی به معنای کنار گذاشتن رویکرد تقابلی در قبال ایران نیست.

موسسه صهیونیستی نیگساک در تحلیل پیش از انتخابات اسرائیل و آمریکا، با عنوان «در سایه انتخابات اسرائیل و آمریکا؛ خطر شعله‌ور شدن درگیری بیش از هر زمان دیگری است»، نسبت به تشدید تنش‌های منطقه‌ای هشدار داده است. مثر بن‌نیت، رئیس این موسسه نوشته است؛ «در شرایط کنونی، خطر شعله‌ور شدن درگیری بالاست.» او با اشاره به مذاکرات اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا افزود؛ «همه بازیگران در انتظار غافلگیری‌ها هستند، درباره اینکه آیا ابتکار عمل را به دست بگیرند و غافلگیر کنند مرددن و خود را برای همه سناریوها آماده می‌کنند.» این تحلیل تأکید دارد که همزمانی رقابت‌های انتخاباتی با افزایش تنش‌های نظامی و ابهام در محاسبات طرف‌ها، خطر تشدید درگیری را افزایش می‌دهد. این ارزیابی مستقیماً پیش‌بینی‌کننده سیاست دولت آینده نیست، اما نشان می‌دهد که مذاکرات احتمالی در خلأ انجام نمی‌شود؛ زیرا تحولات نظامی منطقه و احتمال تشدید درگیری‌ها می‌تواند بر محاسبات احزاب، اولویت‌های امنیتی و فضای تصمیم‌گیری دولت آینده اثر بگذارد. در صورت ادامه نخست‌وزیری نتانیاها، انتظار می‌رود رویکرد امنیت‌محور و همچنان جایگاه برجسته‌ای داشته باشد. در صورت تشکیل دولت به ریاست آیزنکوت نیز، با توجه به سابقه نظامی او و همپوشانی بخشی از مواضعش با اجماع امنیتی رژیم صهیونیستی، نمی‌توان تغییر بنیادین در این جهت‌گیری‌ها را از پیش‌فرض دانست. تفاوت‌ها ممکن است بیشتر در نحوه هماهنگی با آمریکا، اولویت‌بندی پرونده‌ها و مدیریت پیامدهای منطقه‌ای جنگ‌ها بروز کند.



پسانتخابات رژیم صهیونیستی؛ پنج سناریو از بقای نتانیاها تا انتخابات مجدد

معرکه در لانه عنکبوت

به دست آورند، اما برای تشکیل ائتلاف جایگزین و کنار زدن دولت مستقر با دشواری مواجه شوند.»

در صورت تشکیل دولت به ریاست آیزنکوت، احتمال تغییر در مدیریت سیاسی و رسیدگی به برخی پرونده‌های داخلی وجود دارد. دولت جدید ممکن است برای بررسی مسئولیت‌های سیاسی و امنیتی هفت اکتبر، بازنگری در برخی تصمیمات دولت پیشین و کاهش تنش بر سر اصلاحات قضایی تلاش کند. با این حال، میزان تحقق این اهداف به ترکیب ائتلاف و توافق میان احزاب وابسته خواهد بود.

در این میان، تحلیل موسسه کوئینسی نکته مهمی درباره محدودیت‌های تغییر دولت مطرح می‌کند. استیون سایمون در مقاله دولت جدید در اسرائیل، آینده چه می‌تواند باشد؟، استدلال می‌کند که اختلافات آمریکا و رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً به شخص نتانیاها و متحدان راست‌گرای او تقلیل داد؛ زیرا بخشی از سیاست‌های امنیتی و منطقه‌ای از حمایت گسترده‌تری در ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی برخوردار است. بر اساس این ارزیابی، دولت احتمالی آیزنکوت می‌تواند در مدیریت روابط با آمریکا قابل پیش‌بینی‌تر باشد، اما تغییر نخست‌وزیر به‌تنهایی برای تغییر اساسی سیاست‌ها کافی نیست.

این نکته در موضوع ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. آیزنکوت سابقه نظامی و امنیتی دارد و در زمینه تقویت ارتش و مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای با بخش‌هایی از اجماع امنیتی رژیم صهیونیستی هم‌پوشانی دارد. از این رو، تغییر دولت ممکن است در شیوه تصمیم‌گیری، نحوه هماهنگی با آمریکا و مدیریت بحران‌ها تفاوت ایجاد کند. اما نمی‌توان از آن به‌طور خودکار تغییر بنیادین رویکرد در قبال ایران، غزه، لبنان یا مسئله فلسطین را نتیجه گرفت.

سناریوی سوم؛ احزاب عربی به بازیگران تعیین‌کننده تبدیل می‌شوند

اگر هیچ‌یک از دو جریان اصلی به اکثریت لازم نرسد، حمایت احزاب عربی می‌تواند در محاسبات ائتلافی اهمیت پیدا کند. این حمایت الزاماً به معنای حضور در کابینه نیست، ممکن است احزاب عربی بدون ورود به دولت، در رأی‌گیری‌های تعیین‌کننده از تشکیل دولت یا ادامه فعالیت آن حمایت کنند.

مرکز عرب واشنگتن در مقاله‌ای درباره معضل ائتلاف سازی آیزنکوت، این وضعیت را چنین توصیف کرد؛ «او به کرسی‌های احزاب عربی نیاز دارد، اما وارد کردن آنها به ائتلافش خطر از دست دادن آرای رأی‌دهندگان میانه‌رو و راست‌گرایان را به همراه دارد که برای پیروزی به آنها نیازمند است.» این مرکز همچنین نوشت که نتانیاها و ائتلافش از خودداری آیزنکوت از کنار گذاشتن صریح احزاب عربی و ائتلاف حاکم آینده بهره‌برداری کرده‌اند. در واقع این کار می‌تواند یک دستاویز سیاسی برای جریان رقیب ائتلاف تغییر شود. نتایج اولیه نشان می‌داد که احزاب عربی به‌تنهایی نمی‌توانند جایگزین یک ائتلاف بزرگ شوند، نقش آنها به ترکیب نهایی کست و تصمیم جریان‌های اصلی درباره امکان همکاری وابسته است. این محدودیت از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که رویترز گزارش

غیرمذهبی، ادامه این وضعیت را نا‌عادلانه می‌داند. جنگ‌های اخیر و فشار بر نیروهای نظامی و نیروهای ذخیره نیز این اختلاف را تشدید کرده است.

شورای روابط خارجی آمریکا در تحلیل پیش از انتخابات، اختلاف بر سر قانون سربازی اجباری یهودیان حری‌دی را از عوامل تضعیف ائتلاف نتانیاها و دانست؛ اختلافی که به خروج حزب متحد تورانی از ائتلاف در ژوئیه ۲۰۲۵ انجامید و منافع سیاسی نتانیاها و برخی شرکای راست‌گرای او را در برابر یک‌دیگر قرار داد. اختلاف احزاب مذهبی با دیگر متحدان راست‌گرا نشان می‌دهد که حتی در صورت دستیابی به کرسی‌های کافی، نتانیاها برای حفظ دولت باید هزینه سیاسی قابل توجهی بپردازد. هرگونه امتیازدهی به احزاب مذهبی می‌تواند مخالفان معافیت سربازی را تحریک کند و عقب‌نشینی از خواسته‌های این احزاب نیز احتمال خروج آنها از ائتلاف را افزایش دهد.

مسئله دیگر، پاسخ‌گویی سیاسی درباره شکست امنیتی در هفت اکتبر ۲۰۲۳ است. مخالفان نتانیاها خواستار بررسی مسئولیت مقام‌های سیاسی و امنیتی در این رویداد هستند و تشکیل کمیسیون تحقیق را مطرح کرده‌اند. اگر نتانیاها موافقت بمانند، مناقشه بر سر زمان، ترکیب و اختیارات چنین کمیسهونی می‌تواند به یکی از محورهای اصلی تقابلی دولت و مخالفان تبدیل شود. از منظر سیاسی، باقی ماندن نتانیاها در قدرت به معنای پایان بحران نیست، بلکه می‌تواند ادامه حیات دولتی باشد که برای حفظ اکثریت، ناچار به مصالحه‌های مکرر میان احزاب دارای خواسته‌های متفاوت است. در چنین وضعیتی، هر بحران امنیتی یا اختلاف بر سر بودجه و خدمت سربازی ممکن است انسجام کابینه را تحت فشار قرار دهد.

سناریوی دوم؛ آیزنکوت دولت جدید تشکیل می‌دهد

سناریوی دوم، تشکیل دولت به ریاست گادی آیزنکوت و پایان نخست‌وزیری نتانیاها است. آیزنکوت، رئیس پیشین ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی و رهبر حزب، یاشار، خود را به عنوان گزینه تغییر سیاسی معرفی کرده است. با این حال، تبدیل موقعیت انتخاباتی به دولت جدید به حل مسئله‌ای دشوار بستگی دارد و در واقع پاسخ به این سوال که آیا جریان‌های مخالف نتانیاها می‌توانند با وجود اختلافات ایدئولوژیک، بر سر یک ائتلاف مشترک به توافق برسند؟

مرکز آمریکایی بروکینگز در تحلیل پیش از انتخابات، با اشاره به رقابت نزدیک میان حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاها و حزب یاشار به رهبری گادی آیزنکوت، نوشته بود؛ «مشخص نیست کدام حزب بتواند در فضای سیاسی عمیقاً دو قطبی شده، کرسی‌های کافی برای تشکیل ائتلاف حاکم به دست آورد.» این مرکز همچنین مسائل امنیت ملی و منطقه‌ای، پاسخ‌گویی درباره حملات هفت اکتبر، خدمت سربازی یهودیان حری‌دی، اصلاحات قضایی و افزایش هزینه‌های زندگی را از محورهای اصلی مناقشه سیاسی برشمرد. در همین حال، موسسه خاورمیانه آمریکا بیان کرده بود که؛ «احزاب مخالف نتانیاها ممکن است اکثریت کرسی‌های کست را

تغییر نخست‌وزیر، پایان بحران نیست

نتایج اولیه انتخابات نشان می‌دهد که رقابت میان نتانیاها و آیزنکوت هنوز به تعیین تکلیف دولت آینده منجر نشده است. نتانیاها می‌توانند با بازسازی ائتلاف راست‌گرا در قدرت بمانند، آیزنکوت نیز در صورت حل مسئله اکثریت و عبور از اختلافات درونی جریان مخالف، امکان تشکیل دولت جدید را خواهد داشت. در کنار این دو مسیر، دولت اقلیت، توافق وحدت ملی و انتخابات مجدد نیز گزینه‌هایی هستند که در صورت شکست مذاکرات ممکن است مطرح شوند. تحلیل‌های مراکز مطالعاتی و راهبردی صهیونیستی و آمریکایی هریک از زاویه‌ای بر یک مسئله مشترک تأکید می‌کنند، نتیجه انتخابات تنها بخشی از معادله است و توان تشکیل ائتلاف، مدیریت اختلافات داخلی و مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای، آینده دولت را تعیین خواهد کرد. حتی اگر آیزنکوت جای نتانیاها را بگیرد، نباید انتظار داشت که همه سیاست‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به‌سرعت دگرگون شوند؛ همان‌طور که بازگشت نتانیاها نیز به معنای تضمین ثبات ائتلاف راست‌گرا نیست. مسئله اصلی، توان احزاب برای تبدیل آرای انتخاباتی به دولتی پایدار است، دولتی که با بهر زمان با بحران اعتماد پس از هفتم اکتبر، اختلاف بر سر خدمت سربازی حری‌دی‌ها، مناقشه اصلاحات قضایی، فشارهای اقتصادی و چالش‌های امنیتی منطقه‌ای مواجه شود. در نتیجه، انتخابات اخیر نه تنها به بحران سیاسی رژیم صهیونیستی پایان نداد، بلکه رقابت بر سر قدرت را وارد مرحله‌ای تازه و پیچیده‌تری کرد.

فرهاد پاشوند کارشناس مسائل غرب آسیا

انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی در شرایطی برگزار شد که جامعه صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، جنگ‌های منطقه‌ای، بحران اعتماد به ساختارهای سیاسی و امنیتی و مناقشه بر سر اصلاحات قضایی با شکاف‌های عمیقی روبه‌رو است. این انتخابات قرار بود تکلیف ادامه نخست‌وزیری بنیامین نتانیاها و امکان شکل‌گیری جایگزینی برای دولت ائتلافی او را روشن کند؛ اما نتایج اولیه نشان داد که رقابت انتخاباتی الزاماً به تشکیل دولتی با ثبات منجر نخواهد شد. در نخستین ساعات پس از انتخابات و هم‌زمان با ادامه شمارش آرا، نتایج اولیه از فاصله محدود دو بلوک اصلی حکایت داشت؛ به گونه‌ای که نه بلوک بنیامین نتانیاها و نه جریان مخالف به رهبری گادی آیزنکوت نتوانسته بودند اکثریت لازم برای تشکیل دولت را به دست آورند. در مقابل، احزاب عربی با افزایش مشارکت انتخاباتی جامعه عرب و کسب آرای قابل توجه، به یکی از بازیگران تعیین‌کننده در معادلات پارلمانی تبدیل شدند. گزارش‌ها از مشارکت حدود ۸۰ درصدی اعراب در انتخابات حکایت داشت؛ رقیبی که از انتظارات پیشین فراتر رفت و هم‌زمان با هشدارهای نتانیاها و متعاندنش درباره افزایش حضور رأی‌دهندگان عرب در پای صندوق‌ها همراه شد. برآوردهای اولیه شبکه‌های تلویزیونی نیز برای احزاب عربی مجموعه حدود ۱۸ کرسی در نظر می‌گرفتند؛ هر چند شمارش آرا همچنان ادامه داشت و این ارقام قطعی نبودند. اهمیت این وضعیت زمانی روشن‌تر می‌شود که موضوع انتخاباتی دو بلوک اصلی درباره همکاری با احزاب عربی را در نظر بگیریم. نتانیاها در کارزار انتخاباتی خود، رقابت را با شعار «با راست یا فلسطین» صورت‌بندی کرد و مدعی شد پیروزی مخالفانش می‌تواند به تشکیل دولتی با مشارکت احزاب عربی و حرکت به سمت تشکیل کشور فلسطین منجر شود. او در روز انتخابات نیز با اشاره به افزایش حضور رأی‌دهندگان عرب، از احتمال تشکیل دولتی با حضور منصور عباس و احمد طیبی سخن گفت. این مواضع نشان می‌داد که نتانیاها و متحدان راست‌گرایش، همکاری رقیبای خود با احزاب عربی را به یکی از محورهای اصلی حملات انتخاباتی تبدیل کردند.

با این حال مسئله صرفاً به مواضع بلوک نتانیاها محدود نمی‌شود. گادی آیزنکوت نیز پیش از انتخابات، در گفت‌وگو با شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی، مشارکت حزب عربی «برام، به ریاست منصور عباس در دولت آینده خود را رد کرد.» او اعلام کرد؛ احزاب عربی برای مشارکت در ائتلاف باید اسرائیل را به عنوان کشوری یهودی و دموکراتیک بپذیرند. از اعلامیه استقلال حمایت کنند، با خدمت نظامی اجباری موافق باشند و حماس را سازمانی تروریستی بدانند که باید از میان برداشته شود. آیزنکوت با اشاره به اینکه حزب رعام و دیگر احزاب عربی این شروط را برآورده نمی‌کنند، تصریح کرد که در شرایط موجود، جایی برای این احزاب در دولت آینده او وجود نخواهد داشت. بنابراین، هر چند اعتماد و نتانیاها در ادعای خود اختلاف دارند، مواضع ایتانیاها و آنها پیش از انتخابات، هر دو جریان را در برابر مسئله همکاری با احزاب عربی با محدودیت سیاسی مواجه کرده است.

با مشخص شدن نتایج اولیه انتخابات و آشکار شدن دشواری تشکیل دولت بدون حمایت احزاب عربی، بازیگران، رئیس حزب دموکرات‌ها و از چهره‌های بلوک مخالف نتانیاها، بر ضرورت عبور از این مانع تأکید کرد. او با خطاب قرار دادن شرکای خود در بلوک تغییر خواستار کنار گذاشتن ترس از ائتلاف با احزاب عربی شد و تأکید کرد که عبور از این سد نیازمند همکاری دولت جدید، باید امکان همکاری با این احزاب را پذیرفت. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شد که نتایج اولیه انتخابات نشان می‌داد هیچ‌یک از دو بلوک اصلی به‌تنهایی از اکثریت لازم برخوردار نیست و مخالفت با همکاری با احزاب عربی می‌تواند هر دو جریان را در بن بست تشکیل دولت نگه دارد. با این حال، تحقق پیشنهاد گولان مستلزم عبور از خطوط قرمز اعلام‌شده برخی رهبران بلوک مخالف، از جمله آیزنکوت، درباره مشارکت احزاب عربی در دولت بود.

در نتیجه مشاوران تشکیل دولت تنها از توریع کرسی‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه به تعارض میان نیازهای پارلمانی و تعهدات سیاسی رهبران نیز بازمی‌گردد. بلوک نتانیاها با وجود مخالفت با اتکا به احزاب عربی، برای حفظ قدرت به کسب اکثریت نیاز دارد؛ بلوک مخالف نیز بدون تغییر در مواضع برخی رهبران خود درباره همکاری با احزاب عربی، با محدودیت جدی در مسیر تشکیل دولت روبه‌رو خواهد شد. در همین حال، احزاب حری‌دی و اختلافات مربوط به خدمت سربازی اجباری نیز می‌توانند مذاکرات ائتلافی را پیچیده‌تر کنند. شورای روابط خارجی آمریکا در انتخابات هشدار داده بود که اختلافات درون ائتلاف نتانیاها، مسئله خدمت سربازی حری‌دی‌ها و نبود توافق درباره همکاری با احزاب عربی می‌تواند روند تشکیل دولت را طولانی کند. شورای آتلانتیک نیز احتمال بی‌ثباتی و برگزاری انتخاباتی دیگر را مطرح کرده بود. از این منظر، نتیجه انتخابات هنوز به معنای پایان رقابت بر سر قدرت نیست، بلکه مرحله دشوارتری، یعنی تبیل آرای انتخاباتی به یک ائتلاف پایدار آغاز شده است.

در نظام پارلمانی رژیم صهیونیستی، کسب بیشترین کرسی به‌تنهایی برای تشکیل دولت کافی نیست. رئیس رژیم صهیونیستی پس از ارزیابی با نمایندگان احزاب، نامزدی را مامور تشکیل دولت می‌کند که از شانس بیشتری برای جلب حمایت پارلمان برخوردار باشد. این نامزد فرصت محدودی برای تشکیل ائتلاف دارد و در صورت شکست مذاکرات، امکان سپردن مأموریت به نامزدی دیگر در نهایت برگزاری انتخابات مجدد مطرح می‌شود. بنابراین، مسئله اصلی پس از انتخابات فقط تعداد کرسی‌های احزاب نیست، بلکه توانایی آنها برای کنار آمدن با اختلافات و شکل دادن به ائتلافی است که بتواند از آزمون رأی اعتماد، تصویب بودجه و بحران‌های امنیتی عبور کند.

سناریوی نخست؛ نتانیاها با ائتلاف راست‌گرا در قدرت می‌مانند

نخستین سناریو، موفقیت نتانیاها در تشکیل دولت جدید است. او پس از انتخابات در تشکیل دولتی راست‌گرا تأکید کرد که کوشید دستاوردهای نظامی و امنیتی را به عنوان پشتوانه ادامه نخست‌وزیری خود مطرح کند. با این حال، او برای تشکیل دولت باید حمایت متحدان راست‌گرا و مذهبی را حفظ کند و در عین حال، اختلافات درون این جریان را مدیریت کند.

یکی از مهم‌ترین موانع، مناقشه بر سر خدمت سربازی حری‌دی‌هاست. احزاب مذهبی برای حفظ معافیتی با محدود ماندن تعهدات نظامی طلاب مدارس دینی تلاش می‌کنند؛ در مقابل بخش‌هایی از جامعه و احزاب سکولار و راست‌گرای





کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی؛

آینده درخشانی پیش روی صنعت هسته‌ای ایران قرارداد

پنج‌شنبه / ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

پرونده ویژه



مروری بر احزاب و جریان‌های اصلی اسرائیل

۱. **لیکود به رهبری بنیامین نتانیاوو**: لیکود، حزب اصلی راست ملی‌گرا در اسرائیل، در حوزه اقتصادی از بازار آزاد حمایت می‌کند و در میان بخش‌هایی از افشار کارگری و یهودیان سنتی پایگاه دارد. این حزب، محور ائتلاف حاکم و مهم‌ترین پشتوانه سیاسی نتانیاوو است و می‌کوشد دستاوردهای نظامی را به سرمایه‌ای برای استمرار نخست‌وزیری او تبدیل کند.

۲. **قدرت یهودی به رهبری ایتانمار بن‌گورین**: این حزب در طیف راست افراطی قرار دارد و بر اقتدار پلیسی و ملی‌گرایی حداکثری تأکید می‌کند. قدرت یهودی از شرکای نتانیاوو و از جریان‌های فشار برای اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر در حوزه‌های امنیتی و داخلی است.

۳. **صهیونیسم دینی و ائتلاف آن با زحوت**، به رهبری **بنتسئیل اسموتزیتز**: این جریان بر بخش‌هایی از نیروهای ملی، مذهبی تکیه دارد و مدافع گسترش شهرک‌سازی و تثبیت کنترل اسرائیل بر کرانه باختری است. در سیاست امنیتی، رویکردی تهاجمی دارد و در اردوگاه متحدان نتانیاوو قرار می‌گیرد.

۴. **شاس و یهودیت متحد توراتی**: این دوتشکل، نمایندگان اصلی اجتماعات حریدی، یعنی یهودیان فوق ارتدوکس هستند. اولویت آنان حفظ خدمات اجتماعی، تأمین بودجه آموزش دینی و استمرار معافیت طلبان از خدمت نظامی است. هر دو از شرکای سنتی نتانیاوو به شمار می‌روند، اما از حل شدن مسئله معافیت‌های سربازی نارضاند. تفاوت مهم آنان با راست افراطی آن است که حفظ منافع و استقلال سازمانی اجتماعات مذهبی، در مرکز مطالباتشان قرار دارد.

۵. **یاشار به رهبری گادی آیزنکوت**، یاشار حزبی میانه‌گرا با جهت‌گیری امنیت‌محور است که بر برابری در خدمت نظامی، رسیدگی به معیشت و تشکیل کمیسیون رسمی تحقیق درباره هفتم آکت تأکید می‌کند. این حزب با تداوم نخست‌وزیری نتانیاوو و حضور راست افراطی در دولت مخالف است، اما مخالفتش با نخست‌وزیر به معنای مخالفت با استفاده از قدرت نظامی نیست.

۶. **بیتخد: ائتلاف فعالی بن و یائیر لاپید**: این ائتلاف، راست‌مدیریتی بنت را با میانه‌گرایی لاپید پیوند می‌دهد و بر بازسازی اعتماد عمومی به اداره کشور تمرکز دارد. بیعد در اردوگاه تغییر نخست‌وزیر قرار می‌گیرد، اما این تغییر را با گسستی اساسی از رویکرد امنیتی مسلط همراه نمی‌کند.

۷. **اسرائیل خانه ما به رهبری آویگدور لیبرمن**: این حزب در میان مهاجران شوروی سابق ریشه دارد و راست‌گرایی امنیتی را با اسکولاریسم اجتماعی ترکیب می‌کند. لیبرمن هم با همکاری با نتانیاوو مخالف است و هم اتکای دولت جایگزین به احزاب عربی را رد می‌کند؛ موضعی که امکان ائتلاف‌سازی مخالفان را محدود می‌سازد.

۸. **دموکرات‌ها به رهبری یائیر گولان**: این تشکل از پیوند احزاب کارگرو مرتض شکل گرفته و به‌چپ صهیونیستی نزدیک‌تر است. دفاع از نهادهای دموکراتیک از محورهای آن به‌شمار می‌رود. دموکرات‌ها با نتانیاوو مخالف‌اند و در مقایسه با بیشتر احزاب یهودی مخالف، او، آمادگی بیشتری برای پذیرش مشارکت احزاب عربی در ائتلاف دارند.

۹. **رع و فهرست مشترک**: این دو جریان، گرایش‌های متفاوت جامعه عرب را نمایندگی می‌کنند. مطالبات آنان از تأمین خدمات عمومی و مقابله با جرم و خشونت و برابری شهروندی و حقوق ملی فلسطینیان امتداد دارد. رع، آمادگی بیشتری برای مشارکت در دولت و پیگیری مطالبات از مسیر ائتلاف دارد، در مقابل، فهرست مشترک بر مخالفت با جنگ غزه و اشغال کرانه باختری تأکید می‌کند.

تمایز حریدی‌ای با راست افراطی آشود ویژه دارد. شاس و یهودیت متحد توراتی را نباید صرفاً نسخه مذهبی بن‌گورین و اسموتزیتز دانست؛ اولویت اصلی آنان حفظ سازمان اجتماعی، بوده و چه استقلال آموزشی اجتماعات خود است. همین تفاوت می‌تواند در چانه‌زنی‌های پس از انتخابات اثرگذار باشد. هرچند انتقال آنان به ائتلافی دیگر، به دلیل اختلافات عمیق در سرسرازی، آسان نیست. در سوی مقابل، «مخالفان نتانیاوو» نیز یک برنامه مشترک منسجم ندارند. آیزنکوت، بنت، لاپید، لیبرمن و گولان درباره مشارکت احزاب، رابطه دین و دولت و دامنه مصالحه‌های ائتلافی اختلاف دارند. کناره‌گیری بنی گانتس در ۱۹ اکتبر، پس از ماه‌ها قرار گرفتن حزب او بر یهودیت استیلایی ایران به ثباتی دولت تغییر ندهد، به نفع دولت مستقر است. شکست نتانیاوو را اما مشکل ائتلاف‌سازی را حل نکند. آیزنکوت، جدی‌ترین رقیب نتانیاوو، خود را بدیلی امنیتی و پاسخ‌گو معرفی می‌کند، نه نادر خروج یک‌جانبه از منازعات منطقه‌ای. او با تشکیل دولت فلسطینی مخالفت کرده، بر برچیدن توان نظامی حماس تأکید دارد و جلوگیری از دستگیری‌های تشکیلاتی را از مسیر زیر پای تهدیدات دیپلماتیک مورد حمایت آمریکا دنبال می‌کند. در نتیجه، جابه‌جایی به سود او، بیش از آنکه تغییر قطعی هدف باشد، می‌تواند تغییر در شیوه تصمیم‌گیری، ترکیب شرکا و رویه‌رو هستند. درسی‌هایشان برای تغییر دولت مهم است، اما بخش بزرگی از نگرانی نتانیاوو، پذیرش مشارکت آنان را از پیش منتفی کرده‌اند. این مسئله فقط مانع تشکیل دولت نیست، مرزهای ژئوپلیسی را نیز آشکار می‌کند. رای‌شورودن عرب در شمارش معتبر است، اما تبدیل آن به سهمی در قدرت همچنان با محدودیت‌های سیاسی سنگین مواجه می‌شود.

واشنگتن، توان پاسخ ایران، ظرفیت دفاعی و اقتصادی اسرائیل و احتمال گسترش همزمان جبهه‌ها، محدودیت‌هایی واقعی‌اند. انتخاباتی بودن انگیزه، هزینه جنگ را حذف نمی‌کند. عملیات کوتاه‌باد دستاوردها قابل نمایش ممکن است برای نخست‌وزیر سوم‌مند باشد، اما پاسخ شدید، تلفات و بسیج تازه می‌تواند همان محاسبه را معکوس کند؛ هیچ قاعده نیست، به‌دلیل وابستگی‌های امنیتی و معنایی، شکست مستقر است. فقط یکی از متغیرها را تغییر می‌دهد. آیزنکوت جلوگیری از قابلیت هسته‌ای نظامی ایران را هدف می‌داند و برای آن هم زور و هم ترتیبات دیپلماتیک را مطرح کرده است. از این‌رو، برای ایران مسئله مهم‌تر از نام نخست‌وزیر، ترکیب ائتلاف، حدود تعهد آمریکا، تعریف اسرائیل از خطوط قرمز و اعتبار بازدارندگی متقابل خواهد بود.

مسئله لبنان و توافق رهبران در تداوم تهاجم

در لبنان نیز نباید تغییر نخست‌وزیر را تغییر خودکار منطق نظامی یکی گرفت. آیزنکوت در کارزار انتخاباتی به سابقه امنیتی و دکترین ضابطه، استناد کرده است؛ رویکردی مبتنی بر وارد کردن تخریب بسیار شدید و دکترین ضابطه برای بازدارندگی به دلیل آثار آن بر زیرساخت‌ها و غیرنظامیان. موضوع انتقادهای حقوقی جدی بوده است. این سابقه اجازه نمی‌دهد او را صرفاً در برابر نتانیاوو، نماینده سیاستی مسلح طلبانه معرفی کرد. در سوی دولت، اسرائیل کاتس در ۱۴ اکتبر تهدید کرده است که در صورت همراهی حزب الله با حمله ایران، اسرائیل مناطق بیشتری از جنوب لبنان را تصرف خواهد کرد. چنین اظهاراتی پیوند دو جبهه را در محاسبات رسمی نشان می‌دهد، اما تهدید مشروط را نیز نباید با تصمیم قطعی برای اجرای عملیات یکسان دانست. فاصله میان تهدید، آمادگی و اقدام، همان جایی است که بازدارندگی و دیپلماسی می‌توانند اثر بگذارند.

انتخابات ممکن است در زمان بندی و شیوه استفاده از این تهدیدها اثر بگذارد، دولت پیروزی می‌تواند ادعای ماموریت تازه کند. دولت شکست‌خورده ممکن است برای حفظ ابتکار تحت فشار قرار گیرد و دولت جدید شاید بخواد اقتدار خود را اثبات کند. اما در هر سه حالت، نتیجه به واکنش طرف مقابل و محیط منطقه‌ای وابسته است؛ صندوق رای به‌تنهایی نه جنگ می‌آفریند و نه آن را متوقف می‌کند. برای ایران، خطای تحلیلی آن است که همه تهدید را به شخص نتانیاوو تقلیل دهد؛ برای ناظران انتخابات نیز خطاست که اختلافات واقعی داخلی اسرائیل را بی‌اهمیت بشمارند. اشخاص و ائتلاف‌ها بر آستانه خطرپذیری، کیفیت تصمیم و امکان توافق اثر می‌گذارند، اما درون ساختاری عمل می‌شود؛ این است که دولت بعدی، امنیت را چگونه تعریف خواهد کرد، تعادلی قابل حفظ با اهداف محدود و هزینه‌های سنجیده، یا پروژه‌ای بی‌پایان برای حذف تهدیدهایی که هر عملیات، صورت تازه‌ای از آنها می‌سازد. نسبت انتخابات اسرائیل با آینده منطقه، بیش از نام برنده، در پاسخ عملی به همین پرسش روشن خواهد شد.

از بحران اعتماد داخلی اسرائیل تا محاسبات خصمانه نتانیاوو

رقابت بر سر قدرت؛ توافق بر سر جنگ



محمد جلیلی
ایران پژوه و دانش آموخته علوم سیاسی

توضیح پیش از مطالعه: این یادداشت بر پایه اطلاعات منتشرشده تا پیش از اعلام نتایج انتخابات ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶، پنجم آبان ۱۴۰۵، تنظیم شده؛ بنابراین ارقام کرسی‌ها، برآوردهای برآمده از نظرسنجی‌اند، نه مبتنی بر نتایج قطعی انتخابات پیش‌رو.

انتخابات اسرائیل را نمی‌توان به رقابت میان «جنگ طلبان» و «صلح طلبان»، فروکاست. مسئله اصلی، بیش از آنکه انتخاب میان ادامه جنگ و پایان آن باشد، رقابت بر سر رهبری، شیوه اعمال قدرت، توزیع هزینه‌های جنگ و بازسازی نظامی است که هفتم اکتبر اعتبار آن را پدیدرفته‌اند. از این‌رو، شکست نتانیاوو الزاماً به معنای پایان تجاوزهای منطقه‌ای اسرائیل نیست؛ همان‌گونه که پیروزی او نیز به‌تنهایی وقوع جنگ تازه علیه ایران را قطعی نمی‌کند. برای فهم نسبت انتخابات با جنگ، باید سه سطح را هم‌زمان دید؛ جامعه‌ای که میان احساس تهدید و مطالبه پاسخ‌گویی گرفتار است؛ ساختاری حزبی که دولت را از مسیر ائتلاف دشوار می‌سازد و محیط منطقه‌ای که در آن، تصمیم اسرائیل با بازدارندگی ایران، وضعیت لبنان و محاسبات دولت آمریکا پیوند خورده است.

جامعه‌ای متحد در تهدید آفرینی و متفرق در اعتمادزایی

حادثه هفت اکتبر صرفاً یک شکست اطلاعاتی یا عملیاتی نبود؛ بنیان ادعایی را زیر سوال برد که دولت اسرائیل مشروعیت امنیتی خود را بر آن استوار کرده بود؛ توانایی پیش‌بینی تهدید و حفاظت از شهروندان. با این حال، این صریح به فروپاشی خودکار حمایت از جنگ و حذف سیاسی نتانیاوو نیچامید؛ حمایت از اقدام نظامی و اعتماد به رهبری سیاسی، دو مسیر متفاوت پیمودند. پژوهش «یووال فاینشتاین و گفن بن داوید» در فصلنامه علمی «افکار عمومی» این تمایز را نشان می‌دهد؛ در داده‌های گردآوری‌شده پیش و پس از حمله، اکثریت بزرگی از پاسخ‌گویان یهودی از جنگ حمایت می‌کردند، اما اعتماد به دولت و نخست‌وزیر پایین مانده بود. اهمیت این یافته در آن است که تصور متعارف درباره «گرد آمدن جامعه زیر پرچم» را اصلاح می‌کند. احساس تهدید مشترک لزوماً به تأیید رهبر مستقر تبدیل نمی‌شود، به‌ویژه هنگامی که بخشی از جامعه همان رهبر را مسئول فراهم شدن زمینه بحران بداند. البته داده‌های این پژوهش به ماه‌های نخست جنگ مربوط است و نباید آن را به جای نظرسنجی‌های کنونی نشان. ارزش تحلیلی آن، توضیح سازوکاری است که همچنان برای فهم انتخابات اهمیت دارد؛ «رای دهنده می‌تواند هم خواستار برخورد نظامی شدید باشد و هم نتانیاوو را فاقد صلاحیت اداره کشور بداند، بنابراین، نارضایتی از نخست‌وزیر را نباید معادل مخالفت با سیاست‌های تهاجمی اسرائیل گرفت.

شکاف‌های پیش از جنگ نیز از میان نرفته‌اند. مناقشه بر سر تغییرات قضایی، حدود قدرت دولت، استقلال نهادهای نظارتی و پرونده فساد نتانیاوو، پیش از هفتم اکتبر جامعه را از سطح یک جنگ این اختلافات با مدتی به حاشیه برد، اما حل نکرد. اکنون پرسش پاسخ‌گویی درباره شکست امنیتی با پرسش قدیمی‌تر مهار قدرت اجرایی درهم آمیخته است. مطالبه تشکیل کمیسیون رسمی تحقیق، در چنین فضایی، فقط درخواست کشف خطاهای نظامی نیست؛ منازعه‌ای بر سر تعیین مسئولیت سیاسی و امکان نظارت بر نخست‌وزیر است. از سوی دیگر، فرسایش آگاهی جنگ را نمی‌توان تنها با شمار تلفات یا حجم تخریب سنجید. فراخوان‌های مکرر نیروهای ذخیره، اختلال در زندگی خانوادگی و اشتغال، تخلیه مناطق مرزی و دشواری بازگشت به زندگی‌های، هزینه امنیت را به تجربه روزمره تبدیل کرده‌اند. در نتیجه، پرسش از «قدرت اسرائیل» با پرسش دیگری مواج شده است؛ جامعه تا چه اندازه و با چه توزیعی می‌تواند هزینه استمرار این قدرت‌نمایی را تحمل کند؟

مناقشه منتهو، سربازی حریدی‌ها، یعنی یهودیان فوق ارتدوکس، روشن‌ترین صورت این تعارض است. دولت به نیروی انسانی بیشتری نیاز دارد، اما شرکای مذهبی نتانیاوو بر حفظ معافیت طلبان اصرار دارند؛ در حالی که بخش‌های دیگری از جامعه بارخمدت و فراخوان‌های مکرر را بدوش می‌کشد. از این منظر، اختلاف بر سر سربازی، نزاعی قانونی درباره سازمان ارتش نیست؛ نزاع بر سر عدالت در توزیع تکلیف، امتیاز و تهدید است. نظرسنجی موسسه دموکراسی اسرائیل در آستانه انتخابات نیز نشان می‌دهد که جامعه دستور کار، امنیت است. تجربه اکثریت یهودی، اقلیت فلسطینی دارای تابعیت اسرائیل، اقتصاد و هزینه زندگی با ۳۸ درصد، مهم‌ترین با دومین عامل انتخاب حزب بوده‌اند؛ در میان شهروندان عرب، مقابله با جرم و خشونت در جامعه عربی با ۵۳/۵ درصد و اقتصاد با ۴۶ درصد پیش‌تاز بوده‌اند. این تفاوت، محدودیت تعبیر کلی «افکار عمومی اسرائیل» را آشکار می‌کند. تجربه اکثریت یهودی، اقلیت فلسطینی دارای تابعیت اسرائیل، نیروهای ذخیره، خانواده‌های آسیب‌دیده و اجتماعات حریدی یکسان نیست. انتخابات، محل تلاقی این تجربه‌های نابرابر است؛ نه بیان اراده جامعه‌ای که درباره معنای امنیت، مسئولیت دولت و اولویت‌های زندگی توافق دارد.

اقتصاد داخلی اسرائیل؛ تاب‌آوری بدون آسودگی

توصیف اقتصاد اسرائیل با دوگانه «فروپاشی» یا «رونق» گمراه‌کننده است. تازین‌ترین ارزیابی بانک مرکزی، هم استمرار رشد و تأمین مالی فناوری را نشان می‌دهد و هم محدودیت عرضه نیروی کار، عقب ماندگی فعالیت داخلی از روند بلندمدت و آسیب‌پذیری در برابر تشدید جنگ، را ثبت می‌کند. اقتصاد، توان سازگاری با شرایط جدید را نشان داده است، اما سازگاری را نباید با بی‌هزینه‌بودن جنگ اشتباه گرفت. بانک مرکزی در گزارش ۲۱ اکتبر، رشد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۲۶ را ۵/۶ درصد پیش‌بینی کرده، اما تصریح کرده که بخش مهمی از این رقم به تولید شرکت‌های اسرائیلی در خارج مربوط می‌شود؛ رشد با کنار گذاشتن این مولفه، که تصویر مناسب‌تری از فعالیت داخلی می‌سازد.

همین گزارش، تولید داخلی تعدیل‌شده را حدود ۳/۷ درصد پایین‌تر از روند بلندمدت ارزیابی می‌کند و از تداوم محدودیت عرضه نیروی کار خبر می‌دهد. معنای سیاسی این وضعیت روشن است؛ حتی هنگامی که شاخص کلان رشد مثبت است، خانوار،

چهار مسیر احتمالی پس از آرای صندوق‌ها

در سناریوی نخست، هیچ طرف دولت نمی‌سازد و نتانیاوو در مقام نخست‌وزیر موقت باقی می‌ماند؛ وضعی که قواعد استمرار دولت آن را ممکن می‌کند. این حالت، حساس‌ترین فاصله میان مشروعیت انتخاباتی و اختیار اجرایی را پدید می‌آورد. نمی‌توان از آن وقوع حتمی ماجراجویی را نتیجه گرفت، اما لازم است تصمیم‌های امنیتی این دوره با حساسیت بیشتری نسبت به تعارض منافع سیاسی و ضرورت نظامی ارزیابی شوند.

سناریوی چهارم، ائتلاف وحدت با آرایشی فراتر از رمززدنی‌های تبلیغاتی است؛ امری که مستلزم عقب‌نشینی بعضی رهبران از تعهدات فعلی خواهد بود. چنین دولتی ممکن است ظرفیت بیشتری برای اصلاحات داخلی و مهار شرکای افراطی داشته باشد، اما وحدت سیاسی به‌خودی‌خود متراشف اعتدال خارجی نیست. ائتلافی فراگیر می‌تواند، در شرایطی دیگر، برای عملیات نظامی نیز اجماع داخلی وسیع‌تری فراهم کند.



بنگاه کوچک، کارفرمای درگیر غیبت نیروهای ذخیره و ساکن منطقه مرزی ممکن است بهبود مشابهی را تجربه نکند. میان تاب‌آوری اقتصاد ملی و احساس امنیت اقتصادی شهروندان، فاصله‌ای واقعی وجود دارد. در مقابل، کاهش تورم سالانه به ۱/۶ درصد در سپتامبر و جذب حدود ۶/۷ میلیارد دلار سرمایه در بخش فناوری طی سه ماهه سوم، با روایت فروپاشی قریب‌الوقوع سازگار است. مسئله اصلی، نامتوازن بودن ظرفیت تحمل هزینه‌هاست؛ بخش‌های متصل به بازار جهانی می‌توانند انعطاف بیشتری داشته باشند، در حالی که فعالیت‌های محلی، خدمات و زندگی در مناطق دیگر، به استمرار آزارش، وابستگی مستقیمی دارند. مهم‌تر آنکه پیش‌بینی بانک مرکزی اسرائیل مشروط به پایین ماندن شدت درگیری‌ها است؛ افزایش بودجه دفاعی بدون تعدیل متقابل، می‌تواند کسری بودجه و فشار تورمی آنها را افزایش دهد. در نتیجه، جنگ تازه علیه ایران فقط تصمیمی نظامی نیست؛ تصمیم درباره مالیات، خدمات عمومی، سرمایه‌گذاری و ظرفیت بازسازی هم هست. با این حال، اهمیت معیشت در نظرسنجی‌ها الزاماً به غلبه آن بر رقابت انتخاباتی تبدیل نشده و دستور کار امنیتی همچنان فضای تبلیغات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قواعدی که نتیجه انتخابات را پیچیده می‌کند

در اسرائیل، شهروندان نخست‌وزیر را مستقیماً انتخاب نمی‌کنند؛ به فهرست‌های حزبی رای می‌دهند و ۱۲۰ کرسی نسبت بر پایه نمایندگی تناسبی سراسری توزیع می‌شود. حد نصاب ورود ۳/۷ درصد است و سازوکار تخصیص کرسی‌های باقی‌مانده و توافق‌های آرای مازاد نیز بر نتیجه اثر می‌گذارد. به همین دلیل، چند دهم درصد جابه‌جایی رای می‌تواند یک حزب کوچک را وارد مجلس کند یا مجموعه‌ای از آرای یک اردوگاه را از نمایندگی محروم سازد. اول شدن یک حزب، به معنای نخست‌وزیری رهبر آن نیست. رئیس‌جمهور پس از مشورت با فراکسیون‌ها، ماموریت تشکیل دولت را به نماینده‌ای می‌سپارد که امکان تشکیل دولت داشته باشد؛ مأموریت نخست، اصولاً ۲۸ روز با امکان تمدید تا ۱۴ روز دیگر است. بنابراین، باید میان سه چیز فرق گذاشت؛ بزرگ‌ترین حزب، بزرگ‌ترین مجموعه مخالفان یک رهبر و ائتلافی که واقعاً قادر به اداره کشور باشد.

عدد ۶۱، نشانه اکثریت مطلق و مبنای متعارف محاسبه ائتلاف پایدار است؛ اما دولت اقلیت نیز از ترتیبات مناسب حمایت با عدم مخالفت دیگران، از نظر سیاسی قابل تصور است. مشکل کنونی آن است که بخش مهمی از احزاب مخالف نتانیاوو، هم همکاری با او و هم اتکا به احزاب عربی را رد کرده‌اند؛ در نتیجه، جمع حساسی کرسی‌های مخالف، الزاماً به اکثریت سیاسی جایگزین تبدیل نمی‌شود. این ساختار به احزاب کوچک قدرت چانه‌زنی نامتناسب می‌دهد. شریک چند کرسی، اگر برای اکثریت ضروری باشد، می‌تواند درباره بودجه، وزارتخانه، سربازی یا سیاست شهرک‌سازی امتیازهای بزرگی مطالبه کند. از همین‌رو، پرسش تعیین‌کننده صرفاً این نیست که نتانیاوو چند کرسی می‌گیرد؛ این است که؛ «چه کسانی با چه شروطی، حاضرند او را در قدرت نگه دارند؟»

تکته حساس است، استمرار دولت مستقر است، قانون پایه، مقرر می‌کند دولت خروجی تا تشکیل دولت تازه وظایف خود را ادامه دهد. بنابراین، شکست لیکود در کسب رتبه نخست تشکیل دولت تازه وظایف خود را ادامه دهد. بنابراین، شکست لیکود در کسب رتبه نخست تشکیل دولت تازه وظایف خود را ادامه دهد. بنابراین، شکست لیکود در کسب رتبه نخست تشکیل دولت تازه وظایف خود را ادامه دهد.

راهبرد نتانیاوو برای بقا بر مسند قدرت؛ تبدیل روایت شکست امنیتی به پیروزی ناتمام

محور اول، نتانیاوو در ماه‌های اخیر کوشیده است موضوع انتخابات را از «مسئولیت شکست» به ضرورت استمرار فرماندهی، منتقل کند؛ به جای پاسخ دادن درباره هفتم اکتبر، بردستاردهای نظامی علیه حماس، حزب الله و ایران تأکید کند و خود را مناسب‌ترین رهبر برای تکمیل آنچه ناتمام می‌خواند نشان دهد. این جابه‌جایی دستور کار، هسته نظامی ارزیابی امنیتی و امکان عملیاتی شکل می‌گیرد. در این چارچوب، موضع

پرونده ویژه



علی اصغر بهشتی، کارشناس مسائل بین الملل؛ معتقد است برای ارزیابی نتیجه انتخابات رژیم اشغال‌گر یابد میان پیروزی انتخاباتی، توانایی تشکیل دولت و امکان حفظ یک ائتلاف پایدار تفاوت قائل شویم. او تصریح دارد ممکن است یک حزب بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد، اما نتواند اکثریت لازم را برای تشکیل دولت فراهم کند.

- تحلیل شما از انتخابات پیش روی رژیم اسرائیل چیست و چه آینده‌ای برای آن متصورید؟**

به نظر من، انتخابات رژیم صهیونیستی را باید در بستر بحران‌های سیاسی و امنیتی این رژیم تحلیل کرد. مسئله رقابت میان نتانیاهو و مخالفانش نیست؛ بلکه این است که آیا نظام سیاسی اسرائیل می‌تواند از دل شکاف‌های عمیق داخلی، دولتی با اکثریت و توان تصمیم‌گیری پایدار تشکیل دهد یا خیر.

یکی از ویژگی‌های مهم این انتخابات، دشواری احتمالی تشکیل ائتلاف است. در اسرائیل، طبق نظرسنجی‌های رایج برای تشکیل دولت نتوانست اکثریت مطلق کرسی‌ها را به دست آورد؛ بلکه احزاب باید بتوانند از طریق ائتلاف یا جلب حمایت نمایندگان، اکثریت لازم را فراهم کنند. بنابراین، حتی اگر یک حزب بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد، این موضوع لزوماً به معنای توانایی آن برای تشکیل دولت نیست. از یک سو، نتانیاهو برای حفظ قدرت به حمایت احزاب راست‌گرا و مذهبی نیاز دارد؛ احزابی که با وجود اشتراکات سیاسی، درباره برخی مسائل داخلی و امنیتی اختلاف‌نظر دارند. از سوی دیگر، مخالفان نتانیاهو نیز با تفاوت‌های ایدئولوژیک و سیاسی روبه‌رو هستند و کنار هم قرار گرفتن آن‌لروما به معنای شکل‌گیری یک ائتلاف منسجم و پایدار نیست. به همین دلیل، باید چند سناریو را در نظر گرفت؛ نخست، تشکیل دولتی به رهبری نتانیاهو با تکیه بر ائتلافی شکننده؛ دوم، توافق مخالفان برای تشکیل دولتی جایگزین و سوم، ناتوانی هر دو اردوگاه در دستیابی به اکثریت لازم و ورود به دورهای ازین ب‌ست سیاسی.

در صورت شکست تلاش‌های اولیه برای تشکیل دولت، رئیس‌جمهور اسرائیل طبق سازوکار قانونی می‌تواند ماموریت تشکیل دولت را به فرد دیگری واگذار کند. اگر مراحل مقرر نیز به نتیجه نرسند، ممکن است انتخابات مجدد برگزار شود. تقریباً این بازه سه‌ماه طول خواهد کشید که البته با شمشخص نیست به نتیجه دست یابند یا خیر.

- نتانیاهو در این انتخابات چه هدفی دارد؟ برای تحقق اهدافش چه برنامه‌ای برای دیگرکشورها دارد؟**

برای درک اهداف نتانیاهو در این انتخابات، ابتدا باید موقعیت سیاسی او را در نظر بگیریم. آینده سیاسی نتانیاهو به نتیجه انتخابات و توانایی او برای تشکیل دولت بستگی دارد. در صورت خروج او از قدرت، علاوه بر تغییرات احتمالی در رهبری لیکود، پرونده‌های قضایی‌اش نیز وارد مرحله‌ای می‌شوند که می‌تواند از نظر سیاسی برای او اهمیت زیادی داشته باشد.

اما مسئله فقط آینده شخص نتانیاهو نیست؛ مسئله، راهبرد امنیتی و منطقه‌ای تل‌آویو است. من معتقدم برای ارزیابی این راهبرد باید سه هدف را از یک‌دیگر تفکیک کنیم؛ نخست، تضعیف یا از بین بردن ظرفیت‌های نظامی ایران و گروه‌های مقاومت؛ دوم، تلاش برای تغییر ساختار سیاسی ایران و سوم، گسترش کنترل سرزمینی یا ایجاد مناطق حائل در کشورهای همسایه، به‌ویژه در لبنان و سوریه.

در محور نخست، صرف انجام عملیات نظامی یا وارد کردن خسارت به زیرساخت‌های

نظامی، لزوماً به معنای تحقق هدف راهبردی نیست. باید دید آیا ظرفیت عملیاتی گروه‌های مقاومت از بین رفته است. آیا رژیم صهیونیستی توانسته بازدارندگی پایداری ایجاد کند و آیا تهدیدهایی که امنیت خود تعریف‌شده این رژیم را به چالش می‌کشد، به‌طور پایدار برطرف شده‌اند یا خیر. باقی‌ماندن ظرفیت عملیاتی بازگیران منطقه‌ای و تداوم تهدیدهای امنیتی، نشان می‌دهد که میان دستاوردهای نظامی و تحقق اهداف راهبردی باید تفاوت قائل شد.

محور دوم، یعنی تغییر ساختار سیاسی ایران، از مقابله نظامی با توانمندی‌های ایران فراتر می‌رود و پیامدهای بسیار گسترده‌تری برای منطقه دارد. در این زمینه باید میان اظهارات رسمی مقام‌های صهیونیستی، اهداف اعلام‌شده و ارزیابی تحلیلی‌گران از نیت‌های راهبردی تمایز قائل شد؛ با این حال، هرگونه تلاش برای تغییر ساختار سیاسی ایران می‌تواند دامنه‌قابل‌ار را از یک منازعه نظامی به رویارویی بر سر نظم سیاسی منطقه گسترش دهد.

محور سوم نیز به تحولات لبنان و سوریه مربوط است. ایجاد مناطق حائل یا حفظ حضور نظامی در مناطق مرزی، اگر به کنترل بلندمدت سرزمین و تغییر وضعیت موجود منجر شود، صرفاً یک اقدام دفاعی کوتاه‌مدت نخواهد بود و می‌تواند بر حاکمیت کشورهای همسایه و نظم منطقه‌ای تأثیر بگذارد. بنابراین، نباید تصور کرد که با تغییر نخست‌وزیر، الزاماً راهبرد این رژیم در قبال ایران و منطقه دگرگون خواهد شد. میان احزاب صهیونیستی درباره روش‌ها، میزان ریسک‌پذیری و هزینه‌های تقابل اختلاف وجود دارد؛ اما راهبرد اختلافی وجود ندارد و تمامی احزاب سیاسی اتفاق‌نظر دارند. انتخابات برای نتانیاهو هم فرصتی برای نجات آینده سیاسی خود و هم آزمونی درباره کارنامه امنیتی و سیاسی اوست. او باید به جامعه اسرائیل توضیح دهد که با وجود هزینه‌های سنگین جنگ‌ها، آیا اهداف اعلام‌شده در حوزه امنیت، بازدارندگی و ایجاد منطقه‌ای محقق شده‌اند یا خیر.

نکته مهم این است که ادامه بن بست سیاسی فقط مسئله‌ای داخلی نیست. رژیم صهیونیستی در شرایطی با این رقابت انتخاباتی روبه‌روست که پیامدهای جنگ‌ها، مسائل امنیتی، اختلافات اجتماعی و فشارهای بین‌المللی بر تصمیم‌گیری دولت تأثیر می‌گذارند. در چنین شرایطی، تشکیل یک دولت ائتلافی نیز به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات نخواهد بود؛ زیرا دولت آینده باید علاوه بر تشکیل ائتلاف، توانایی مدیریت اختلافات داخلی و تصمیم‌گیری درباره مسائل راهبردی را هم داشته باشد. بنابراین، پرسش اصلی این انتخابات صرفاً این نیست که چه کسی بیشترین کرسی‌ها را کسب می‌کند؛ بلکه این است که آیا هر یک از دو اردوگاه سیاسی می‌توانند اختلافات خود را برای تشکیل دولتی پایدار مدیریت کنند یا خیر. پاسخ به این پرسش، برای ارزیابی آینده سیاسی رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر تحولات منطقه‌ای اهمیت اساسی دارد.

- آمریکایی‌ها در این انتخاب چه استراتژی خواهند داشت؟**

آیا انتخابات، رژیم صهیونیستی را از بن بست راهبردی خارج می‌کند؟

انتخابات رژیم اسرائیل؛ رقابت بر سر قدرت یا بن بست راهبردی

تنها به اخبار و مواضع رسمی محدود نبوده است. بخشی از سینمای جریان اصلی غرب، به‌ویژه هالیوود، طی دهه‌ها در شکل‌دهی به تصویر عمومی از اسرائیل و منازعه خاورمیانه نقش داشته است.

کتاب A History of Israel and Hollywood، نوشته تونی شاو و جیورا گودمن، رابطه تاریخی صنعت سرگرمی آمریکا با اسرائیل و نقش فرهنگ عامه در شکل‌دهی به تصورات عمومی را بررسی کرده است. جنگ غزه و تصاویر گسترده ویرانی، آوارگی و مرگ ریزش‌زمان. این روایت را با چالش جدی مواجه کرد. تداوم اشغالگری و نبود چشم‌انداز روشن برای حل تشکیل دولت مستقل فلسطینی نیز فاصله میان اد‌عای دفاع از خود و پرسش درباره مسئولیت سیاسی و انسانی اسرائیل را افزایش داد. این تحولات به معنای پایان حمایت غرب از اسرائیل نیست، پیوندهای راهبردی با آمریکا و همکاری‌های نظامی و امنیتی همچنان اهمیت دارند. با این حال، فرسایش اعتبار اخلاقی و مشروعیت سیاسی اسرائیل در افکار عمومی جهانیان، می‌تواند عمیق‌ترین حمایت از اسرائیل را برای متحدانش افزایش دهد. چتم‌هاوس نیز در تحلیل سپتامبر ۲۰۲۶ خود به افزایش انزوا ی جهانی اسرائیل اشاره کرده است.

در نتیجه، مسئله اسرائیل تنها میزان خسارت وارده به دشمن نیست؛ بلکه توانایی حفظ مشروعیت سیاسی در سطح جهانی نیز اهمیت دارد. برتری نظامی لزوماً به معنای برتری در جنگ روایت‌ها نیست. در صورت تداوم عملیات نظامی برای جلب حمایت داخلی توسل کابینه‌نیده، هم‌زمان با افزایش هزینه‌های جنگ، فرسایش مشروعیت بین‌المللی نیز تشدید خواهد شد.

۳) بن‌بست راهبردی؛ دشواری تبدیل قدرت نظامی به پیروزی سیاسی
سومین چالش اسرائیل، شکاف میان اهداف جداگانه و توانایی تبدیل قدرت نظامی به نتایج سیاسی پایدار است. قدرت نظامی می‌تواند خسارت وارد کند، زیرساخت‌ها را از بین ببرد یا ظرفیت‌های طرف مقابل را موقتاً کاهش دهد؛ اما این نتایج لزوماً به تسلیم سیاسی، پایان منازعه یا ایجاد نظم امنیتی مطلوب منجر نمی‌شوند. این مسئله در تقابل با ایران اهمیت بیشتری دارد. ایران از نظر جغرافیا، جمعیت، ساختار سیاسی و ظرفیت‌های راهبردی با بازگیران غیردولتی منطقه تفاوت دارد. بنابراین، حتی عملیات نظامی نیز به پایان اختلافات راهبردی منجر نمی‌شود. نتیجه نهایی به توان بازسازی، اراده سیاسی، محاسبات بازدارندگی، حمایت‌های خارجی و هزینه‌های جنگ بستگی دارد. در این چارچوب، کابینه آینده اسرائیل با انتخابی دشوار روبه‌رو خواهد بود؛ اما سه انتخاب نظامی، تمرکز بر بازدارندگی و مهار تهدیدها یا حرکت به سوی راه حل‌های سیاسی. این انتخاب به ترکیب کابینه، افکار عمومی، روابط با واشنگتن و ارزیابی نهادهای امنیتی از هزینه‌ها و دستاوردهای جنگ بستگی دارد.

تغییر کابینه می‌تواند بر زمان‌بندی عملیات، میزان پذیرش خطر و نقش دیپلماسی اثر

گذارد؛ اما اگر اصل راهبرد بر حذف کامل تهدیدها از طریق قدرت نظامی استوار بماند، تکرار چرخه‌های پرهزینه جنگ همچنان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. توان آغاز گسترش عملیات نظامی، با توان تحمیل یک نظم سیاسی پایدار به طرف مقابل یکسان نیست.
تصویر آینده؛ انتخابات اسرائیل؛ تغییر کابینه یا تغییر راهبرد؟
با کنار هم گذاشتن این سه بحران، روشن می‌شود که نتیجه انتخابات به تنهایی نمی‌تواند آینده جنگ با ایران را تعیین کند. پیروزی هر جریان سیاسی ممکن است در شیوه مدیریت بحران، سطح هماهنگی با آمریکا و میزان تمایل به راهکار سیاسی، تفاوت‌هایی ایجاد کند؛ اما بحران مشروعیت، نامانی پایدار و دشواری تبدیل قدرت نظامی به دستاوردهای سیاسی، عمیق‌تر از رقابت میان چهره‌های سیاسی‌اند. اسرائیل با سه مسئله به‌هم پیوسته مواجه است؛ نامانی که ممکن است به نسل‌های آینده منتقل شود، فرسایش روایتی که دهه‌ها برای کسب حمایت بین‌المللی به آن تکیه کرده و دشواری تبدیل قدرت نظامی به پیروزی سیاسی پایدار. این سه بحران یک‌دیگر را تقویت می‌کنند؛ تداوم جنگ می‌تواند مشروعیت را فرسوده کند، حل نشدن منازعات سیاسی می‌تواند امکان را از ناتوانی برد، و کارنامه در دستیابی به نتایج سیاسی پایدار ممکن است اسرائیل را به تکرار راهبرد‌های نظامی پرهزینه سوق دهد.

دوباند مسلحانه قاچاق مواد مخدر منهدم شد

سردار منتظرالمهدی، سخنگوی فرجا؛

پنج‌شنبه/ ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

نظام سیاسی رژیم صهیونیستی درگیر شکاف‌های داخلی شدید است

بحران در انتخابات غاصبان



در بررسی راهبرد آمریکا، باید میان حمایت ساختاری واشگتن از امنیت تل آویو و حمایت سیاسی دولت ترامپ از شخص نتانیاهو تفاوت قائل شویم. آمریکا در طول دهه‌های گذشته رژیم صهیونیستی را یکی از شرکای مهم خود در غرب آسیا دانسته است؛ اما این حمایت به معنای نبود اختلاف‌نظر درباره هزینه‌های جنگ، سیاست شهرک‌سازی یا نحوه مدیریت روابط منطقه‌ای نیست.

یکی از تحولات مهم، افزایش اختلاف‌نظر در داخل آمریکا درباره دامنه حمایت از اسرائیل است. برای نمونه، در سپتامبر ۲۰۲۶ گروهی از سناتورهای دموکرات طرحی را برای اعمال تحریم علیه اشخاص و نهاده‌های مرتبط با پروژه شهرک‌سازی E۱ مطرح کردند. این طرح نشان دهنده افزایش فشار در کنگره است. هرچند ارائه طرح به معنای تصویب و اجرای آن نیست، اما ایجاد چنین اختلافاتی در میان حامیان سنتی رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است.

در اروپا نیز فشارها شکل‌های مختلفی پیدا کرده‌اند. انگلیس محدودیت‌هایی در زمینه صادرات تسلیحات مرتبط با اشغال و اقداماتی علیه تجارت و فعالیت اقتصادی مرتبط با شهرک‌های صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی اعلام کرده است. ایرلند نیز ممنوعیت واردات کالاهای مشتاقرفته از شهرک‌های اسرائیلی را در سپتامبر ۲۰۲۶ اجرائی کرد. در مورد فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی نیز باید میان تحریم‌های هدفمند علیه افراد و نهادهای مشخص، محدودیت‌های تسلیحاتی و ممنوعیت‌های تجاری اعمال‌کرده‌اند.

اهمیت این تحولات فقط در آثار مستقیم اقتصادی آنها نیست؛ مسئله این است که آیا این محدودیت‌ها به صورت پراکنده باقی می‌مانند یا به تدریج به فشار هماهنگ تری در حوزه تجارت، تسلیحات، سرمایه‌گذاری و نظام مالی تبدیل

می‌شوند. هرچه هماهنگی میان دولت‌ها و نهادهای اقتصادی بیشتر شود، هزینه‌ها برای رژیم صهیونیستی نیز افزایش می‌یابد.

اظهارات اخیر نتانیاهو درباره لزوم آماده‌سازی اقتصاد جایگزین برای مقابله با تحریم‌های جهانی و احتمال محدودیت‌های بانکی، از این منظر قابل توجه است. او در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۶ گفت تلاویو باید برای احتمال تحریم‌های شدید آماده باشد و به بررسی سازوکارهای مالی جایگزین، از جمله استفاده از ارزها و فناوری بلاک‌چین، اشاره کرد. این اظهارات نشان می‌دهد که احتمال تحریم‌های گسترده‌تر به یکی از نگرانی‌های مطرح در سطح سیاسی اسرائیل تبدیل شده است.

به نظر من، مسئله اصلی برای آمریکا این خواهد بود که چگونه میان حفظ امنیت اسرائیل، جلوگیری از گسترش بحران منطقه‌ای و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی حمایت از رژیم صهیونیستی تعادل برقرار کند. اگر هزینه‌های این حمایت افزایش یابد، ممکن است فشار بر تل‌آویو برای تغییر برخی سیاست‌ها نیز بیشتر شود؛ اما میزان این فشار به تحولات میدانی، محاسبات دولت آمریکا و توازن نیروها در کنگره بستگی خواهد داشت.

- چه نتیجه‌ای برای این کارزار انتخاباتاتی متصورید؟**

به نظر من، برای ارزیابی نتیجه این انتخابات باید میان پیروزی انتخاباتی، توانایی تشکیل دولت و امکان حفظ یک ائتلاف پایدار را مقایسه کنیم. ممکن است یک حزب بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد، اما نتواند اکثریت لازم را برای تشکیل دولت فراهم کند. از سوی دیگر، ممکن است احزابی با اختلافات ایدئولوژیک، صرفاً برای کنار زدن نتانیاهو به توافقی حداقلی برسند؛ توافقی که لزوماً به تشکیل دولتی باثبات منجر نمی‌شود.

بنابراین، یکی از سناریوهای مهم، تشکیل دولتی شکننده است؛ چه به رهبری نتانیاهو و چه به رهبری مخالفان او. سناریوی دیگر، تداوم بن بست و دشواری در تشکیل ائتلاف است که می‌تواند رژیم صهیونیستی را وارد دوره‌ای از مذاکرات طولانی و حتی انتخابات مجدد کند. نظرسنجی‌های منتشرشده پیش از انتخابات نیز از نبود مسیر روشن برای دستیابی هریک از دو اردوگاه به اکثریت پایدار حکایت داشته‌اند.

اما از منظر منطقه‌ای، موضوع فقط این نیست که چه کسی نخست‌وزیر می‌شود. مسئله این است که دولت بعدی تا چه اندازه قادر خواهد بود بحران‌های امنیتی، شکاف‌های سیاسی و فشارهای خارجی را مدیریت کند. تغییر نخست‌وزیر ممکن است بر سبک تصمیم‌گیری، روابط با متحدان و نحوه مدیریت منازعات اثر بگذارد؛ اما تغییر بنیادین در سیاست‌های امنیتی اسرائیل را نمی‌توان صرفاً از تغییر دولت نتیجه گرفت. اگر بن‌بست سیاسی ادامه پیدا کند، بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری و دشواری در پیشبرد سیاست‌های بلندمدت می‌تواند افزایش یابد. در مقابل، تشکیل یک دولت ائتلافی نیز به‌خودی‌خود به معنای حل اختلافات داخلی یا کاهش تنش‌های منطقه‌ای نیست.

نتیجه این انتخابات را باید در سه سطح سنجید؛ نخست، اینکه چه ائتلافی می‌تواند دولت تشکیل دهد؛ دوم، اینکه آن دولت تا چه اندازه از انسجام و دوام برخوردار خواهد بود و سوم، اینکه آیا می‌تواند میان اهداف امنیتی خود، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی جنگ‌ها و فشارهای بین‌المللی توازن برقرار کند. پاسخ به این پرسش‌ها، بیش از نام نخست‌وزیر، مسیر آینده رژیم صهیونیستی و پیامدهای منطقه‌ای آن را روشن خواهد کرد.

انتخابات رژیم اسرائیل وآینده غرب آسیا

کارزار پادگان تروریستی

ممکن است تاکتیک‌ها را تغییر دهد، اما اهداف استراتژیک و کلان با برجا خواهند ماند. اگر نتانیاهو قدرت را از دست بدهد، اسرائیل احتمالاً با یک دوره بی‌ثباتی سیاسی، تلاش برای بازسازی روابط دیپلماتیک با آمریکا و

اروپا مواجه خواهد شد.

۴. اختلاف نظر درباره ادامه جنگ یا تنش نظامی با ایران: این مقوله یکی از بحث‌های داغ در میزانات انتخاباتی است. نتانیاهو در استفاده از گفتمان «تهدید وجودی» مجرب است و در صورت ابقا، کماکان ایران را بزرگ‌ترین تهدید علیه موجودیت اسرائیل مطرح معرفی می‌کند و ادامه تقابل نظامی می‌تواند او را به عنوان کسی که توانایی حفاظت از اسرائیل را دارد، به تصویر بکشد. چراکه اگر دگرگبری با ایران به اولویت اصلی تبدیل شود، افکار عمومی کمتر بر پرونده‌های فساد یا اصلاحات قضایی و شکست‌های امنیتی عملیات طوفان الاقصی تمرکز خواهند کرد. اما حزب با‌شار می‌گوید شرایط کنونی با گذشته متفاوت است و لزوماً به نفع نتانیاهو نیست و او با بحران عمیق اعتماد روبه‌رو است. بسیاری از اسرائیلی‌ها نتانیاهو را مسئول اصلی شکست‌های اخیر می‌دانند و در این فضا، ورود به یک جنگ دیگر این تصور را تقویت می‌کند که برای فرار از پاسخ‌گویی، اسرائیل را در جهت منافع شخصی هدایت کرده و به سمت یک ماجراجویی پرهزینه و خطرناک می‌کشاند. در عین حال، جامعه اسرائیل پس از جنگ با ایران و بحران غزه، خسته و نگران است و جنگ مستقیم با ایران می‌تواند پیامدهای اقتصادی سنگین، موشک‌باران شهرهای رژیم و تلفات جانی گسترده به همراه داشته باشد. مخالفان لیکود می‌گویند هزینه‌های جنگ با ایران (مانند افزایش قیمت سوخت یا بی‌ثباتی جهانی) دامنگیر متحد اسرائیل یعنی آمریکا می‌شود و اسرائیل ممکن است حمایت مالی از اردست خود را نیز از دست بدهد. چنین امری با توجه به پیروزی در انتخابات تعیین‌کننده هستند، نسبت به هزینه‌های جنگ و انگیزه‌های شخصی نتانیاهو بسیار بدبین‌شده و رابطه جنگ با موفقیت سیاسی نتانیاهو را یک شمشیر دو لبه می‌دانند.

طرف‌داران حزب با‌شار معتقدند اگر دولت تغییر کند ممکن است آیزنکوت تمایل بیشتری به توافقی‌های توقف جنگ برای عبور از بحران فعلی نشان دهد. نکته مهم این است که حتی در صورت تغییر نخست‌وزیر، به دلیل ساختار امنیتی اسرائیل، رویکردهای مرتبط با تقابل راهبردی با ایران ادامه خواهد یافت و سیاست اسرائیل در قبال ایران در هر دولتی، یکی از پایدارترین محورهای سیاست خارجی رژیم صهیونیستی خواهد بود. البته دولت جایگزین ممکن است درباره زمان‌بندی عملیات، نحوه هماهنگی با آمریکا و عورت از شرایط جنگی فعلی، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کند. با این حال، تغییر دولت به‌خودی‌خود به معنای کاهش تنش تقابل با تهران نیست و اختلاف احزاب اصلی در رژیم صهیونیستی بیشتر بر شدت و شیوه مقابله متمرکز بوده و کنار گذاشتن اصل تقابل را با ایران نمی‌پذیرد. در نتیجه با تداوم دولت نتانیاهو، ادامه درگیری نظامی با ایران و محور مقاومت قابل‌تصور است. تداوم اختلاف بر سر غزه و گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری، قطعی است و ادامه سیاست امنیتی سخت‌گیرانه در فلسطین و علیه مردم غزه و باقی‌ماندن تنش‌های منطقه‌ای قابل‌انتظار است. در صورت تشکیل دولت جدید یا رویکرد میانه‌روتر، تلاش برای بهبود روابط با آمریکا و اروپا و اعراب، افزایش مذاکرات درباره آتش‌بس، بازسازی غزه و در عین حال مخالفت با تشکیل کشور فلسطینی وجود خواهد داشت و تقابل با ایران نه به عنوان یک اقدام فوری، ادامه خواهد یافت.

نتیجه انتخابات رژیم اسرائیل به‌تنهایی تعیین نمی‌کند که غرب آسیا در آینده چگونه خواهد بود اما قطعاً اشتباهات آمریکا و رژیم صهیونیستی در حمله به ایران، چیده چارچوب گریایی را تقویت خواهد کرد و در غرب آسیا، میزان تأثیرگذاری آمریکا و رژیم اشغالگر به مراتب کمتر خواهد شد.



علی فرهنگی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش؛

۱۵ آبان آخرین مهلت برای ثبت نام دانش آموزان جامانده است

پنج‌شنبه / ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

پرونده ویژه



انتخابات چه چیزی را درباره رژیم صهیونیستی آشکارکرد؟

نفت در لانه مور



یوسف پورجوم
کارشناس مسائل سیاسی

انتخابات رژیم صهیونیستی هم تمام شد، اما مشکل و مسئله اصلی آن گروهک تئوریستی نه. چه کسی می تواند دولتی غاصب تشکیل دهد که هم از پس شکاف‌های داخلی برآید و هم ادعای پایداری و ثامنیت این سرزمین اشغالی محصور کند؟ دیوارها را پیش ببرد؟ انتخابات ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶، برخلاف انتظار کسانی که آن را نقطه پایان رقابت نتانیاهو و مخالفانش می‌دانستند، به برتری قطعی هیچ‌یک از دو اردوگاه نینجامید.

نظرسنجی‌ها بلوک نتانیاهو را در محدوده ۵۰ تا ۵۲ کرسی و بلوک رقیب به رهبری گادی آیزنکوت را در محدوده ۵۲ تا ۵۳ کرسی نشان می‌دهند که هر دو بسیار دورتر از ۶۱ کرسی لازم برای اکثریت کسب است. احزاب عرب نیز با برآوردی حدود ۱۷ تا ۱۸ کرسی می‌توانند در معادله تشکیل دولت اثر بگذارند، هرچند همکاری با آنها برای دو اردوگاه اصلی محدودیت‌های سیاسی جدی دارد. البته این ارقام حاصل بررسی‌ها و نظرسنجی‌های میدانی‌اند و تا اعلام نتایج رسمی نباید آنها را نتیجه نهایی انتخابات دانست.

این بن‌بست، مهم‌تر از آنکه نشانه‌ای از پایان قدرت نتانیاهو باشد، از دشواری تبدیل رأی عمومی به اقتدار سیاسی حکایت دارد. بی‌بی‌سی همچنان می‌تواند در مقام نخست‌وزیر موقت باقی بماند و برای تشکیل ائتلاف دست و پا بزند؛ آیزنکوت نیز با وجود کسب موقعیت رقابتی، هنوز مسیر سیاده‌ای برای رسیدن به اکثریت ندارد. حال رقابت اصلی از صندوق رأی به مذاکرات ائتلافی منتقل شده است، جایی که احزاب کوچک، اختلافات ایدئولوژیک و مسئله اعتماد میان رهبران می‌توانند نتیجه را تغییر دهند.

اما این بن‌بست، مسئله مهم‌تر از نخست‌وزیر آینده این گروهک تئوریستی است. مثلاً اینکه آیا شکاف سیاسی اسرائیل، توان و اراده آن برای اقدام نظامی علیه ایران را محدود می‌کند یا ممکن است به انگیزه‌ای برای نمایش قدرت تبدیل شود؟ مشخص است که پاسخ چنین پرسشی را نمی‌توان صرفاً از نتیجه انتخابات استخراج کرد، بلکه باید دید رقابت داخلی چگونه بر هزینه سیاسی جنگ، ارزیابی تهدید ایران و امکان هماهنگی با آمریکا اثر می‌گذارد.

اما این به اصطلاح انتخابات چه چیزی را درباره رژیم صهیونیستی آشکار کرد؟

اهالی سرزمین‌های اشغالی در انتخاباتی شرکت کردند که نخستین انتخابات سراسری پس از حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ‌های متعاقب آن در غزه، لبنان و

بازخوانی چرخش دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی در پیوند با بحران انسجام درونی

تهاجم به‌مثابه فرار به جلو

دکتر نصیبه سادات حسینی
پژوهشگر- مدرس دانشگاه

انتخابات دوره بیست و ششم کسبت در شرایطی صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی را به میدان رقابت‌های حاد کشانده است که این ساختار، بی‌سابقه‌ترین گسست هویتی و سیاسی دهه‌های اخیر خود را تجربه می‌کند. نظرسنجی‌های منتهی به روز رأی‌گیری، از فاصله‌ای شکننده میان اردوگاه موسوم به تغییر به رهبری گادی آیزنکوت (با محوریت حزب یاشار) و ائتلاف راست‌گرای سنتی و ارتوکس تحت هدایت بنیامین نتانیاهو حکایت دارند؛ آرائشی که از پیش، چشم‌انداز ناتوانی هریک از طرفین در تصاحب اکثریت قاطع ۶۱ کرسی و احتمال ورود به دورانی فرساینده از بن‌بست دولتی را پیش‌بینی می‌کند. در بطن این اصطکاک فرساینده، با تعریف دکترین امنیت ملی رژیم صهیونیستی از بازدارندگی پدافندی به اصل تثبیت تهاجم پیش‌دستانه و اقدام مستقیم با آستانه پایین‌تر، پرسشی بنیادین را برای راهبردنویسان منطقه طرح می‌کند، ریشه‌های این شیفت عملیاتی چیست و سیاست‌گذاران امنیتی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های حساس پیش‌رو، چه درکی باید از این پدیده داشته باشند؟

در بازخوانی تحلیلی-تاریخی منطق حیات ساختارهای باطل و استکباری، همواره یک قاعده تخلف‌ناپذیر به چشم می‌خورد. تهاجم بیرونی و گسترش دایره خشونت، نوعاً نه خروجی انباشت اقتدار، بلکه بازتابی از اضطراب‌ها و فراگفتنی فرار به جلوی سیستمی است که در بنیادهای درونی خود دچار انهدام انسجام شده است. همان‌گونه که اندیشمندان ژرف‌نگر انقلاب اسلامی و به‌ویژه متفکرانی چون استاد علی صفایی حائری در تحلیل سنت‌های حاکم بر جوامع گوشزد کرده‌اند، دستگاه طاغوت هنگامی که از درون پوک و تهی‌دست می‌گردد و ابزارهای اغوای عمومی را از دست می‌دهد، به تیغ تهاجم عربان و ارباب متوسل می‌شود تا ضعف بنیادین خویش را پشت هیاهوی میدان پنهن سازد. چرخش تل‌آویو به سمت آستانه پایین‌تر مداخله نظامی و تشدید ترور و خرابکاری علیه ایران، بیش از آنکه تجلی برتری را هبردی باشد، تقلا برای سرپوش نهادن بر گسست جامعه‌ای است که در اثر بحران‌های اقتصادی، چالش‌های سربازان اجباری جریندی‌ها و بی‌اعتمادی مطلق به طبقه حاکم، ستون‌های موجودیتی خود را متزلزل می‌بیند. در چنین شرایطی، سیاستمدار گرفتار در منگنه سقوط سیاسی، به ایجاد بحران‌های مداوم مرزی و منطقه‌ای رو می‌آورد تا افکار عمومی پرتیشان را ذیل مفهوم مکرر «خطر حیات ملی» به انقیاد بکشاند.

اما نقطه کانونی در این منازعه راهبردی، متوجه ادراک طرف مدافع است؛ رژیم صهیونیستی به خوبی در یافته‌که ضربه زدن به عمق استراتژیک جمهوری اسلامی بدون فروپاشی درونی اراده‌ها در تهران ممکن نیست. بر این پایه، همگام با تحرات محدود میدانی یا تهدید به ساربروهای تهاجمی، خطرناک‌ترین لایه رویارویی در ماه‌های پیش‌رو، در اتمسفر «جنگ شناختی» رقم خواهد خورد. تل‌آویو و ماشین تبلیغاتی همراه آن با بزرگ‌نمایی خطرات، انتشار داده‌های اغراق‌آمیز درباره ائتلاف‌های بین‌المللی و بازتولید سناریوهای وحشت، در پی القای انزواي مغرط و انسداد مطلق در محاسبات ذهنی جامعه ایرانی هستند. سنت‌های الهی تاریخ تصریح دارند که هیچ‌کد و توطئه بیرونی قادر به فروپاشی اراده یک امت نخواهد بود، مگر زمانی که در آن امت اردو روغن رخنه دهد و بند تفرقه، تردید و هراس جوانه بزند. (ان تفسیر و اتقوا لا یغترکم کید هم شیئاً) سلاح اصلی دشمن نه موشک‌های دوربرد، که سحر ادراکی برای انبودسازی تاب‌آوری، انگیزه و باور یک ملت به قدرت درون‌زای خویش است.

بر اساس این منطق، اولویت نخست سیاست‌ورزان و ارگان امنیتی کشور در دو ماه محاسی که فضای پس از انتخابات کسبت شکل می‌گیرد، بازتعریف «انسجام فعال درونی به مثابه رکن پایدار بازدارندگی» است. اگر محاسبات راهبردی دشمن بر پایه رصد نقاط ضعف داخلی استوار است، هرگونه دوقطبی‌سازی کاذب، نزاع بی‌حاصل جناحی و ناامیدسازی افکار عمومی در تریبون‌های داخلی، دقیقاً سوخت‌رسانی به موتور تحلیلی و تهاجمی اتاق‌های جنگ رژیم تلقی می‌شود. در ساخت تصمیم‌گیری، باید معادله بازدارندگی از اتکای صرف به قدرت تسلیحاتی، به یک بسته یکپارچه از بازدارندگی نظامی، مدیریت هوشمندانه اهرم‌های منطقه‌ای و صیانت از اعتماد عمومی ارتقا یابد. خنثی‌سازی خطوط روایی دشمن که همواره در بزنگاه‌ها به پهنا تصویر ضعف حاکمیت می‌پردازند، مبرم‌ترین اقدام پدافندی برای دو ماه پیش‌روست.

در فرجام سخن، پاسخ به آستانه پایین‌تر تهاجم دشمن، نه در افعال و نظاره‌گری، بلکه در بازخوانی ظرفیت‌های درونی و تحکیم پیوند میان نخبگان، جامعه و حاکمیت نهفته است. رژیم متزلزلی که آینده‌اش در چهره تسویه حساب‌های سیاسی، دادگاه‌های فساد و ناتوانی در مهار ضربات مقاومت گرفتار شده، تنها هنگامی جرأت خطای محاسباتی پیدا می‌کند که در طرف مقابل، نشانه‌های استیصال و شکاف اراده‌ها را استشمام کند. هوشیاری تاریخی ما در این مقطع، خنثی کردن میدان طراحی‌شده از سوی دشمن و بدل ساختن این مقطع ابتلایی به مرحله‌ای برای تعمیق استقلال، خودباوری و پایداری ملی در جغرافیای مقاومت خواهد بود.

محمدرضا باایی

آگاه مسائل سیاسی

در آستانه انتخابات اسرائیل، بنیامین نتانیاهو از احتمال حمله ایران یا متحدانش سخن گفت و تهدید کرد که پاسخ اسرائیل نامتناسب خواهد بود. این اظهارات این واقعیت را آشکار می‌کند که تهدید ایران همچنان بخشی از محاسبات سیاسی و امنیتی تل‌آویو است و نباید با تغییر آرائیش احزاب یا اختلافات داخلی اسرائیل، خطر را تمام‌شده فرض کرد.

البته انتخابات اخیر اسرائیل یک نکته مهم‌تر دارد. رقابت نتانیاهو و گادی آیزنکوت فقط بر سر تشکیل دولت نیست؛ هر دو در فضایی رقابت‌کردن که امنیت، جنگ و نحوه مواجهه با ایران از مسائل اصلی آن بود. نتانیاهو از فرصت اقدام مشترک با آمریکا برای رفع تهدید ایران سخت‌گفت و رقبیش هشدار داد که امنیت نباید خرج منافع سیاسی شود. با این همه، اختلاف بر سر شیوه اداره جنگ و مسئولیت شکست‌های امنیتی را نباید با اختلافی قطعی بر سر اصل تهدید انگاری ایران یکی گرفت. گزارش‌های انتخاباتی نیز نشان می‌دهند که رقابت بر سر رهبری اسرائیل لزوماً به معنای کنار گذاشتن رویکرد سخت‌گیرانه آن در برابر ایران نیست.

در چنین میدان پیچیده‌ای مهم است که به این مسئله توجه داشته باشیم که جنگ، فقط شلیک و اصابت موشک‌ها نیست. به‌کرات دیده‌ایم که پیش از آنکه گلوله‌ای شلیک شود، خبرهای جهت‌دار و تأیید‌نشده از یک منبع آگاه تولید و منتشر می‌شوند. شایعه جای گزارش را می‌گیرد، نگرانی به وحشت تبدیل می‌شود و اختلاف بر سر عملکرد می‌کشور با این همه، اختلاف بر سر شیوه اداره جنگ و مسئولیت شکست‌های امنیتی را نباید با اختلافی قطعی بر سر اصل تهدید انگاری ایران یکی گرفت. گزارش‌های انتخاباتی نیز نشان می‌دهند که رقابت بر سر رهبری اسرائیل لزوماً به معنای کنار گذاشتن رویکرد سخت‌گیرانه آن در برابر ایران نیست.

در چنین وضعی، فقط میدان و موشک‌ها نیستند که اهمیت دارند. این مسئله باید در ادخال‌شور جدی گرفته شود؛ اگر دشمن نتواند اراده ایران را با فشار نظامی

درهم بشکند، با فرسودن اعتماد مردم به یکدیگر، هزینه مقاومت را بالا می‌برد، و

ایران بود. نتانیاهو کارزار خود را با تأکید بر دستاوردهای نظامی و ضرورت ادامه مقابله با ایران پیش برد. در مقابل آیزنکوت، فرمانده پیشین ارتش تئوریست آن رژیم و رقیب اصلی بی‌بی، بر شکست‌های امنیتی، ناکامی در تحقق اهداف جنگ و ضرورت تغییر در شیوه اداره کشور انگشت گذاشت. با وجود این تفاوت‌ها، رقابت بر سر اصل قدرت نظامی رژیم صهیونیستی نبوده است؛ هر دو چهره از موضع امنیت‌محور سخن می‌گویند، هرچند درباره مدیریت جنگ و دستاوردهای آن اختلاف داشته باشند.

درک این نکته برای تحلیل رفتار آینده این گروهک تئوریستی اهمیت فراوان دارد. تغییر (به اصطلاح) دولت آنها لزوماً به تغییر جهت راهبردهای خصمانه‌شان منجر نمی‌شود. ممکن است با کنار رفتن نتانیاهو، زبان سیاسی تعدیل شود یا شیوه اداره روابط با آمریکا و کشورهای منطقه تغییر کند؛ اما تا زمانی که تعریف رژیم اشغالگرا از تهدید ایران و ضرورت برتری نظامی آن دگرگون نشده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که اختلاف بر سر دولت به‌تنهایی سیاست امنیتی را متحول کند. از سوی دیگر، نتانیاهو در نخستین واکنش‌های خود به نتیجه انتخابات، بار دیگر از امکان اقدام مشترک با دونالد ترامپ علیه ایران سخن گفت. این موضع، به‌تنهایی نشانه تصمیم عملیاتی نیست؛ اما نشان می‌دهد که پرونده ایران همچنان یکی از محورهای اصلی روایت امنیتی اوست. به نظر می‌رسد در شرایطی که تشکیل دولت آینده هنوز روشن نیست، می‌خواهد میان استفاده انتخاباتی از تهدید ایران و حرکت واقعی به سوی اقدام نظامی تفاوت بگذارد.

خط‌اصلی در تغییر منطق امنیتی است!

پس از حمله هفتم اکتبر، مبحث تغییر مفهوم امنیت ملی و عبور از اتکای صرف به بازدارندگی و دفاع به سمت پیشگیری فعال از تهدید در محافل رژیم منحوس برجسته شده است. گزارش موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۶ از شکل‌گیری چنین گرایش پرده برمی‌دارد؛ با این توضیح که هنوز نمی‌توان آن را یک دکترین رسمی و مصوب دانست.

اهمیت این تحول در تئوریت است که می‌تواند در آستانه تصمیم‌گیری ایجاد کند. اگر رهبران آن رژیم به این نتیجه برسند که تهدید باید پیش از رسیدن به مرحله نهایی مهار شود، ممکن است برای اقدام نظامی به وجود یک خطر فوری و قریب‌الوقوع استناد کنند و ارزیابی خود از فرصت، هزینه و پیامدهای حمله را مبنای تصمیم قرار دهند. این نگاه آنان چنین برداشتی دامنه امکان اقدام را گسترش می‌دهد.

با این حال، این منطق به معنای توان نامحدود رژیم صهیونیستی نیست. هر تصمیم نظامی همچنان به توان اجرای عملیات، میزان همراهی آمریکا، برآورد از پاسخ ایران و پیامدهای منطقه‌ای وابسته است. دولتی که با بحران ائتلافی روبه‌روست، ممکن است برای بازسازی اعتبار امنیتی خود به نمایش قدرت تمایل پیدا کند؛ اما همان بحران می‌تواند تحمل هزینه‌های یک جنگ تازه را نیز کاهش



بینش و آگاهی یعنی ظرفیت‌های ایران و تجربه مقاومت را ببینیم، برای رفع ضعف‌ها بی‌رحمانه با واقعیت روبه‌رو شویم و سرنوشت کشور را به اختلافات دشمن یا موج خبرهای روزگرمه نزنیم. ما حق داریم به دشمن بدگمان باشیم، تجربه نشان داده که دشمن پیش از حمله، امکان آن را با بازی‌های رسانه‌ای بررسی می‌کند. اما این بدگمانی به دشمن نباید به بدگمانی میان خودمان تبدیل شود. نه شکاف‌های سیاسی اسرائیل پیروزی ما را تضمین می‌کند و نه تهدیدهای آن، شکست ایران را رقم می‌زند. آنچه اهمیت دارد، توان جامعه برای حفظ هوشیاری، اصلاح خطاها و ایستادن کنار یکدیگر در دفاع از ایران است.

میدان جنگ ما فقط آن سوی مرزها نیست. هر بار که خبری را بی‌دقت می‌خوانیم، پیش از سنجیدن پخش می‌کنیم، هر بار که از سر خشم میان مردم دیوار می‌کشیم و هر بار که مسئولین مان را با اخبار دشمن می‌سنجیم، باید بدانیم بر کدام سوی معادله اثر گذاشته‌ایم. در مقابل، تشخیص درست، مطالبه‌گری مسئولانه، کمک به حل مشکلات و اعتماد متقابل بخشی از قدرت ملی‌اند. بیایید در خانه خود برای دشمن میدان نسازیم.



پرونده ویژه

پنج‌شنبه / ۷ آبان ۱۴۰۵ / شماره ۶۷۶

اقتصاد ایران ظرفیت عبور از فشارهای ناشی از جنگ را دارد

لیلاز، تحلیل‌گر اقتصادی؛



هزینه جنگ برای اسرائیل

فرصت ایران کجاست؟



هادی فیضی
پژوهشگر اقتصاد

در رقابت‌های منطقه‌ای، افزایش هزینه‌های رقیب همیشه خبر خوشی تلقی می‌شود. کسری بودجه بالا می‌رود، مخارج نظامی بیشتر می‌شود و بخشی از منابعی که می‌توانست صرف توسعه اقتصادی شود، به میدان جنگ اختصاص پیدا می‌کند. در نگاه نخست، چنین وضعیتی باید به سود طرف مقابل تمام شود؛ اما این نتیجه به آن سادگی که به نظر می‌رسد نیست.

اقتصاد اسرائیل زیر فشار هزینه‌های جنگ قرار دارد. اما مسئله اصلی فقط میزان این هزینه‌ها نیست. باید دید این فشارها تا کجا توان اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری دولت اسرائیل را محدود می‌کنند و مهم‌تر از آن، آیا ایران می‌تواند از پیامدهای احتمالی این وضعیت به سود خود استفاده کند؟ این دو پرسش به یک‌دیگر مرتبطند، اما پاسخ یکسانی ندارند. ممکن است هزینه‌های جنگ، دست دولت اسرائیل را برای برخی تصمیم‌ها ببندد، بی‌آنکه تغییر محسوسی در موقعیت اقتصادی ایران ایجاد شود. درست در همین فاصله است که باید میان تضعیف احتمالی رقیب و تقویت واقعی کشور خودمان تفاوت گذاشت.

فشار مالی را باید جدی گرفت، امانه پیش از اندازه

ادامه هزینه‌ها نظامی بالا، حتی برای اقتصادی برخوردار از بخش فناوری پیشرفته و دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی، بدون هزینه نخواهد بود. دولت برای تأمین مخارج جنگ باید از درآمدهای عمومی استفاده کند، بدهی بیشتری بپذیرد یا در هزینه‌های دیگر خود تجدید نظر کند. هیچ‌یک از این انتخاب‌ها رایگان نیست.

استقراض بیشتر می‌تواند فشار بر بدهی عمومی را افزایش دهد؛ مالیات‌های بالاتر ممکن است بر مصرف و سرمایه‌گذاری اثر بگذارند و کاهش مخارج غیرنظامی نیز می‌تواند فرصت‌های توسعه‌ای را محدود کند. البته شدت این پیامدها به وضعیت درآمدهای دولت، شرایط تأمین مالی و میزان تداوم درگیری‌ها بستگی دارد. برآوردهای بانک مرکزی اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۶ تصویری قابل توجه از این وضعیت ارائه می‌کند. طبق سناریوی پایه این نهاد، رشد تولید ناخالص داخلی بدون احتساب تولید شرکت‌های اسرائیلی در خارج از کشور، برای سال جاری ۳٫۴ درصد و برای سال ۲۰۲۷ حدود ۵٫۱ درصد پیش‌بینی شده است. کسری بودجه دولت نیز در همین برآورد برای سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ به ترتیب ۴٫۶ و ۴٫۶ درصد تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. یک نکته در تفسیر این ارقام اهمیت دارد؛ پیش‌بینی رشد کل تولید ناخالص داخلی اسرائیل به دلیل سهم تولید شرکت‌های این کشور در خارج از مرزها بالاتر است. بانک مرکزی، رشد کل اقتصاد را برای سال ۲۰۲۶ حدود ۵٫۶ درصد برآورد کرده است؛ اما برای سنجش بهتر فعالیت اقتصادی در داخل اسرائیل، رشد بدون احتساب تولید برون مرزی را نیز جداگانه محاسبه می‌کند.

ایران نباید پیش‌بینی نتیجه انتخابات با تعیین یک تاریخ احتمالی برای درگیری باشد؛ بلکه باید کاهش آسیب‌پذیری، حفظ آمادگی در برابر سناریوهای مختلف، تقویت بازدارندگی و جلوگیری از تحمیل زمان و شکل بحران از سوی طرف مقابل باشد.

اولویت ایران در دو ماه آینده: تبدیل آمادگی به برنامه اجرایی

نخستین اقدام باید در سطح هماهنگی ملی انجام شود. شورای عالی امنیت ملی با مشارکت نهادهای دفاعی، وزارت امور خارجه و دستگاه‌های مسئول زیرساخت‌های حیاتی، باید یک برنامه مشترک آمادگی حداقل ۶۰ روزه را تدوین و تصویب کند. این برنامه نباید به اعلام سطح هشدار یا برگزاری جلسات محدود بماند؛ بلکه باید مسئول اقدام، مهلت اجرا، مسیر گزارش‌دهی و شاخص ارزیابی ازمشخص کند. هدف، جلوگیری از تصمیم‌های پراکنده و متناقض در شرایطی است که ممکن است فاصله میان یک حادثه محدود و بحران گسترده، خیلی کوتاه باشد.

در هفته نخست، چهار سناریوی پایه باید بررسی و برای هر کدام پروتکل تصمیم‌گیری تدوین شود؛ ادامه فشار سیاسی و تهدیدهای لفظی؛ تشدید حملات سایبری یا خرابکاری؛ حمله نظامی محدود و درگیری گسترده و همه‌جانبه. برای هر سناریو، باید معیارهای اعتبارسنجی اطلاعات، مرجع تأیید گزارش، سطح اختیار تصمیم‌گیری، مسئول اطلاع‌رسانی و مسیر ارتباط با میانه‌جی‌های خارجی از پیش تعیین شود. شاخص تحویل این مرحله، تصویب یک سند مشترک مدیریت بحران و مشخص شدن مسئولیت نهادهای اصلی باشد؛ نه انتشار جزئیات حساسی آن.

اولویت دوم باید سنجش واقعی تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی باشد. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول انرژی، ارتباطات، آب، حمل و نقل و خدمات درمانی باید

آمادگی خود را در برابر اختلال همزمان در برق، ارتباطات و سامانه‌های دیجیتال

بررسی کنند. آزمون سامانه‌های پشتیبان، تعیین مسیر جایگزین ارتباطی، تمرین

تداوم خدمت و مشخص کردن زمان لزام برای بازگرداندن خدمات، خروجی‌های قابل سنجش این مرحله است. ارزیابی‌ها باید در سطح ملی جمع‌شوند تا نقاط

ضعف برطرف شوند، جزئیات آسیب‌پذیری‌ها نیز نباید به اطلاعات عمومی تبدیل

شود و کاملاً محرمانه باقی بماند.

در حوزه دیپلماسی، وزارت امور خارجه باید از هم‌اکنون تماس‌های منظم با عمان،

قطر، پاکستان و دیگر کشورهای دارای کانال ارتباطی با واشنگتن و تل‌آویو برقرار

کند. هدف، درخواست حمایت لفظی نیست؛ بلکه انتقال روشن موضع ایران درباره

پیامدهای تجاوز، ایجاد مسیر ارتباطی اضطراری و کاهش احتمال برداشت غلط از

اقدامات دفاعی است. هماهنگی با نمایندگی‌های ایران در خارج نیز باید به تولید

اعلام‌شده تا چه اندازه به سیاست‌های اجرایی تبدیل می‌شوند، هزینه آنها چگونه تأمین خواهد شد و آیا تداوم این مسیر محدودیت تازه‌ای برای اقتصاد و تصمیم‌گیری دولت اسرائیل ایجاد می‌کند یا خیر.

تضعیف رقیب چه زمانی به سود ایران تمام می‌شود؟

فرض کنیم هزینه‌های امنیتی اسرائیل در سال‌های آینده بالا بماند و دولت این کشور برای تأمین آنها با محدودیت‌های بیشتری مواجه شود. این وضعیت ممکن است بر ترکیب بودجه، سرمایه‌گذاری عمومی یا محاسبات سیاسی آن اثر بگذارد. با این حال، از این تحولات نمی‌توان مستقیماً نتیجه گرفت که موقعیت اقتصادی ایران بهتر خواهد شد. برای تبدیل فشار بر رقیب به یک مزیت واقعی، باید میان تحولات بیرونی و ظرفیت‌های داخلی ارتباط برقرار شود. اگر محدودیت‌های اقتصادی اسرائیل به تغییر معناداری در رفتار یا توان آن منجر شوند، ایران باید بتواند از شرایط جدید استفاده کند. در غیر این صورت، فشار اقتصادی طرف مقابل ممکن است صرفاً یکی از تحولات محیط منطقه‌ای باقی بماند. برای مثال، افزایش تنش در منطقه ممکن است در مقطعی بر درآمدهای نفتی ایران اثر بگذارد. اما هم‌زمان هزینه حمل‌ونقل، تجارت و سرمایه‌گذاری را نیز افزایش دهد. از این رو، نمی‌توان هرا افزایش درآمد احتمالی را بدون در نظر گرفتن هزینه‌های هم‌زمان آن، نشانه بهبود موقعیت اقتصادی کشور دانست.

این مسئله در مورد سیاست امنیتی نیز صدق می‌کند. افزایش هزینه‌های اسرائیل، به خودی خود به معنای کاهش تهدیدها علیه ایران نیست. حتی ممکن است تغییر محاسبات امنیتی طرف مقابل، در برخی شرایط به افزایش تنش منجر شود. بنابراین، منافع ایران را نمی‌توان فقط با سنجش هزینه‌هایی که به اقتصاد اسرائیل تحمیل می‌شود ارزیابی کرد.

آنچه اهمیت دارد، توانایی ایران برای مدیریت شرایط و افزایش گزینه‌های پیش روی خود است. اقتصادی که اثرات بیشتری برخوردار باشد، کمتر در برابر شوک‌های خارجی آسیب می‌بیند و بهتر می‌تواند از فرصت‌های احتمالی استفاده کند. در مقابل، نااطمینانی در بازار ارز، تورم مزمن و بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی می‌توانند حتی فرصت‌های مطلوب را نیز کم‌اثر کنند. از این منظر، اصلاحات اقتصادی در ایران نباید به انتظار برای تضعیف رقیب قرب بخورد. مهار تورم، پیش‌بینی پذیرت‌کردن سیاست‌های مالی و ارزی، تقویت سرمایه‌گذاری مولد و کاهش آسیب‌پذیری درآمدهای ارزی، اقداماتی هستند که فارغ از تحولات اسرائیل نیز ضرورت دارند. این اقدامات شاید به اندازه تغییرات سیاسی منطقه خبرساز نباشند، اما بر توان واقعی کشور برای مواجهه با شرایط دشوار اثر می‌گذارند.

نحوه استفاده از درآمدهای مقطعی نیز اهمیت دارد. اگر تغییرات منطقه‌ای به افزایش موقت درآمدهای ارزی منجر شوند، این درآمدها زمانی به قدرت اقتصادی پایدار تبدیل می‌شوند که صرف تقویت ذخایر، کاهش آسیب‌پذیری مالی و سرمایه‌گذاری در تولید شوند. درآمد بیشتر، بدون افزایش ظرفیت تولید و بهبود بهره‌وری، لزوماً قدرت اقتصادی بیشتری ایجاد نمی‌کند.

قدرت اقتصادی از داخل ساخته می‌شود

اقتصاد اسرائیل زیر فشار هزینه‌های جنگ قرار دارد و تداوم این وضعیت می‌تواند در بلندمدت دامنه انتخاب‌های دولت را محدود کند. اما اندازه این اثر به شرایط امنیتی، توان تأمین مالی و کیفیت تصمیم‌های اقتصادی آینده بستگی دارد. از همین رو، نه می‌توان فشارها را نادیده گرفت و نه باید از آنها نتیجه‌ای قطعی درباره فروپاشی یا ناتوانی آینده این کشور گرفت. برای ایران، مهم‌تر از انتظار برای افزایش هزینه‌های رقیب، شناخت دقیق محدودیت‌های او و تقویت توان داخلی برای مواجهه با تحولات پیش‌رو است. چنین رویکردی به معنای کم‌اهمیت دانستن تغییرات منطقه‌ای نیست؛ بلکه به معنای ارزیابی آنها بر اساس آثار واقعی‌شان است، نه صرفاً بر مبنای تصویری که در نگاه نخست ایجاد می‌کنند.

در نهایت، افزایش هزینه‌های رقیب تنها بخشی از معادله قدرت است. بخش تعیین‌کننده دیگر، توانایی خود کشور در مدیریت منابع، کاهش آسیب‌پذیری‌ها و تبدیل فرصت‌های بیرونی به دستاوردهای پایدار است. ضعف رقیب، زمانی به قدرت ایران تبدیل می‌شود که اقتصاد ایران ظرفیت استفاده از آن را داشته باشد. این ظرفیت با انتظار برای دشوار شدن شرایط طرف مقابل ساخته نمی‌شود؛ بلکه حاصل تصمیم‌های درست و اصلاحاتی است که باید از داخل آغاز شوند.

گزارش روزانه‌ای از مواضع دولت‌ها، تحولات سیاسی اسرائیل و نشانه‌های تغییر در فضای دیپلماتیک منجر شود. هر گزارش باید میان اطلاعات تأییدشده، ادعاهای رسانه‌ای و تحلیل کارشناسی تمایز بگذارد.

در حوزه امنیت و اقتصاد، ربر، با توجه به حساسیت تکه هرمزو تأثیر هر تشدید تنش بر تجارت و انرژی، دستگاه‌های مسئول باید سازوکار اطلاع‌رسانی و رسیدگی سریع به حوادث درباری از تقویت کنند. ایجاد مسیر ارتباطی مشخص با طرف‌های منطقه‌ای برای کاهش خطر برخورد و اطلاع‌رسانی دقیق به کشتیرانی تجاری می‌تواند از تبدیل یک حادثه محدود به بحرانی گسترده جلوگیری کند. در داخل نیز سنجش آمادگی تجربه‌تأمین کالاها ی ضروری، دارو و سوخت باید به‌صورت دوره‌ای انجام شود. در حوزه افکار عمومی، صداوسیما و رسانه‌های رسمی باید یک سازوکار هماهنگ برای انتشار اطلاعات تأییدشده ایجاد کند. ارائه گزارش‌های منظم درباره وضعیت خدمات عمومی، پاسخ‌گویی سریع به شایعات اثرگذار و خودداری از ادعاهای اثبات نشده درباره تحولات نظامی، هم از تشویش افکار عمومی جلوگیری می‌کند و هم اعتبار اطلاع‌رسانی رسمی را افزایش می‌دهد. انسجام داخلی با دعوت کلی به وحدت ساخته نمی‌شود؛ مردم باید در عمل، هماهنگی تصمیم‌گیران، تداوم خدمات و صداقت در اطلاع‌رسانی را مشاهده کنند.

برای سنجش پیشرفت این برنامه، در پایان هفته نخست باید سند مدیریت بحران و تقسیم مسئولیت‌ها تصویب شده باشد؛ تا پایان هفته دوم، آزمون تاب‌آوری زیرساخت‌ها و گزارش نواقص انجام گیرد و در پایان هر ماه، میزان اجرای اقدامات اصلاحی، آمادگی خدمات حیاتی، استمرار ارتباطات دیپلماتیک کیفیت اطلاع‌رسانی ارزیابی شود. گزارش جمع‌بندی ۶۰ روزه نیز باید روشن کند کدام آسیب‌پذیری‌ها کاهش یافته، کدام اقدامات اجرا نشده و چه اصلاحاتی برای دوره بعد لازم است.

انتخابات، شاخص تهدید نیست

انتخابات اسرائیل ممکن است بر لحن، زمان بندی و شدت اقدامات این رژیم اثر بگذارد. اما نباید به عنوان تنها شاخص تهدید تلقی شود. خطر اصلی از ترکیب دکتربن تهاجمی، تمایل به انزوا و اسرائیل و ایران و محاسبه محاسبه غلط ناشی شود.

پاسخ مناسب، نه پیش‌بینی قطعی جنگ و نه اکتفا به مواضع بازدارنده، بلکه اجرای برنامه‌ای مشخص برای بالا بردن آمادگی دفاعی، تاب‌آوری ملی، دیپلماسی فعال و مدیریت افکار عمومی است. معیار موفقیت در دو ماه آینده باید کاهش غافلگیری، استمرار خدمات حیاتی، حفظ کانال‌های ارتباطی و جلوگیری از گسترش ناخواسته بحران باشد.

۷

از آرامش باطنی تا بازدارندگی ملی در آستانه طوفان

معماری پایداری

شادی ورشوچی
دکتری کلام اسلامی

در حالی که چشم جهانی به صندوق‌های رأی در تل‌آویو دوخته شده تا سرنوشت قدرت در میان «نتانیاهو» و «آیزنکوت» تعیین کند، تلاطمی بسیار عمیق‌تر و زیرپوستی‌تر در لایه‌های زیرین ساختار رژیم صهیونیستی در جریان است؛ تلاطمی که فراتر از رقابت‌های سیاسی و جابه‌جایی صندلی‌های قدرت، به یک بحران بنیادین هویتی و وجودی بدل شده است. این رژیم در حالی به سمت انتخابات پیش می‌رود که دچارنوعی «دوگانگی استراتژیک» است؛ از یک سو با شکاف‌های عمیق درونی میان اردوگاه‌های سیاسی روبه‌روست که مشروعیت حاکمیت را به چالش می‌کشد و از سوی دیگر، با یک تغییر پارادایم امنیتی در سطح کلان مواجه شده که در آن، استراتژی‌های سنتی بازدارندگی، جای خود را به رویکردی تهاجمی و پیش‌دستانه داده‌اند. این وضعیت، رژیم را در وضعیتی از اضطراب مداوم قرار داده است، چنان‌که هر حرکت سیاسی، ناگزیر به یک کشش نظامی یا تهاجم بیرونی تبدیل می‌شود تا بتوان از فروپاشی درونی جلوگیری کرد.

این اضطراب ساختاری را اگر از دریچه روان‌شناسی جمعی و تحلیل رفتارهای گروهی بنگریم، می‌توان به خوبی تبیین کرد؛ چرا که رژیم صهیونیستی در حال تجربه نوعی «مکانیسم دفاعی تهاجمی» است. زمانی که یک ساختار سیاسی با بحران فقدان کنترل و شکاف میان نخبگان روبه‌رو می‌شود، برای فرار از مواجهه با ضعف‌های درونی، به سمت برون‌افکنی بحران حرکت می‌کند. در واقع، «اصل جدید امنیت ملی» که این رژیم اخیراً تدوین کرده، نه صرفاً یک تغییر در دکتربن نظامی، بلکه بازنمایی یک واکنش روانی به اضطراب و وجودی است. وقتی رژیم احساس می‌کند که از درون در حال پوسیدن است، با تغییر آستانه اقدام نظامی و ترجیح دادن تهاجم بردفاع، می‌کوشد تا با ایجاد یک دشمن بیرونی ملموس و پرهیاهو، توجه افکار عمومی را از بحران‌های داخلی به سمت تهدیدات خارجی معطوف کند. این تهاجم، در حقیقت، تلاشی است برای تبدیل کردن «بحران هویت» به «جنگ بقا»، تا بتوان از طریق ایجاد ترس جمعی، شکاف‌های اجتماعی را به شکلی موقت به هم دوخت.

اما این تلاطم تهاجمی، تنها یک مسئله نظامی یا سیاسی نیست، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از بحث‌های کلامی و معرفتی را نیز در بر می‌گیرد که مستقیماً بر امنیت ملی ما اثرگذار است. اگر بخواهیم از منظر کلامی و روان‌شناسی اسلامی به این بحران بنگریم، می‌بینیم که تهاجم رژیم صهیونیستی، در واقع تلاشی است برای غلبه بر «بی‌ثباتی روانی» است. در مقابل این ساختار لرزان، ما با مفهومی روبه‌رو هستیم که می‌تواند توازن قدرت را به‌طور بنیادین تغییر دهد، یعنی «ثبات نفس» و «یقین مبتنی بر ایمان». در حالی که رژیم با استفاده از ابزارهای مادی و تهاجم‌های ناگهانی می‌کوشد تا بحران‌های خود را روانی کند، ما باید بدانیم که بازدارندگی واقعی، در گرو داشتن یک ساختار روحی منسجم است که در برابر تلاطم‌های بیرونی، دچار فرسایش اعتقادی نشود. امنیت، تنها در گرو موشک و پهپاد نیست، بلکه در گرو آن است که جامعه بتواند در لحظات بحرانی، میان «ترس جمعی» و «ایمان استوار» تمایز قائل شود و از اضطراب دشمن، برای تقویت انسجام خود استفاده کند.

از همین رو، تلافی میان روان‌شناسی و امنیت، ما را به این نتیجه می‌رساند که در مواجهه با رژیمی که از اضطراب و وجودی رانده می‌شود، باید از استراتژی‌های «مدیریت بحران روانی» نیز بهره جست. رژیم صهیونیستی در آستانه این دو ماه حساس، به دنبال آن است که با استفاده از ابزارهای جنگ شناختی و رسانه‌ای، شکاف‌های موجود در جامعه ما را به شکاف‌های عمیق تبدیل کند. آنها می‌خواهند با القای حس «بی‌ثباتی» و «بی‌پناهی»، اراده ملی را فرسوده کنند. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های امنیتی در این بازه زمانی، تقویت «تاب‌آوری روانی-اعتقادی» در بدنه جامعه است. این امر مستلزم آن است که روایت‌های رسمی، از «صرف گزارش وقایع نظامی فراتر رفته و به بازنمایی «اراده یولادین مبتنی بر یقین» بپردازند، یعنی باید به مردم آموخت که تلاطم‌های دشمن، نه نشانه قدرت، بلکه نشانه لرزش پایه‌های وجودی آنهاست.

در ادامه این مسیر، سیاست‌وزران و نیروهای امنیتی-نظامی‌ما باید با درک این پارادایم جدید، به بازتعریف معادلات بازدارندگی بپردازند. اگر رژیم صهیونیستی آستانه اقدام خود را پایین آورده است، ما نیز نباید با نگاهی صرفاً پدافندی، به این تغییر رویکرد بنگریم. ما باید نشان دهیم که هرگونه تهاجم ناشی از اضطراب، هزینه‌ای فراتر از آنچه در محاسبات ریاضی آنها آمده است، خواهد داشت. این هزینه، تنها در گرو پاسخ‌های نظامی نیست، بلکه در گرو آن است که دشمن بداند با جامعه‌ای روبه‌رو است که در برابر فشار، «منقبض» نمی‌شود، بلکه «منسجم» می‌گردد. انسجام اجتماعی و سیاسی، بزرگ‌ترین ابزار بازدارندگی در برابر رژیمی است که با هر حرکت تهاجمی، تنها بر تشدید اضطراب درونی خود می‌افزاید.

در نهایت، باید این واقعیت را پذیرفت که در تقابل میان «اضطراب تهاجم‌جو» و «آرامش ایمان»، پیروز خواهد بود آنی است که بتواند «ثبات درونی» خود را حفظ کند. رژیم صهیونیستی در حالی انتخابات برگزار کرده که در حال فرار از واقعیت فروپاشی خود است و این فرار، او را به سمت رفتارهای پیش‌دستانه و بی‌ثبات سوق می‌دهد. اما ما، با اتکا به اصالت اعتقادی و پیوند میان قدرت نظامی و ثبات روحی، می‌توانیم این تلاطم را به فرصتی برای تثبیت جایگاه ملی تبدیل کنیم. امنیت ما، در گرو آن است که یاد بگیریم چگونه اذل بحران، «یقین» تولید کنیم و چگونه از اضطراب دشمن، «انسجام» بسازیم؛ چرا که در این میدان نبرد، تنها کسانی پیروز هستند که در برابر طوفان، نه تنها ایستادند، بلکه بارش‌های عمیق خود، زمین را استوارتر می‌سازند.





روزنامه

۶۷۶

کافه

رقابت گوش‌ها در شرکت‌های ژاپنی

در ژاپن، کارکنان ۷۳ شرکت برای کتاب شنیدن با هم مسابقه دادند. ماه گذشته هشت هزار نفر در این مسابقه رایگان که شرکت «آدیوبوک ژاپن» برگزار کرده بود، شرکت کردند. هرچه بیشتر به کتاب صوتی گوش می‌دادند، رتبه خودشان و شرکت‌شان بالاتر می‌رفت. سه شرکت برتر لوح تقدیر و بسته هدیه گرفتند و به کارکنان برتر اعتبار خرید کتاب صوتی تعلق گرفت. همچنین میان کسانی که دست‌کم پنج روز کتاب شنیده بودند ۲۰۰ کارت هدیه، قرعه‌کشی شد.

در نظرسنجی پایانی ۶۱ درصد گفتند بیشتر از قبل مطالعه کرده‌اند، ۸۴ درصد از مسابقه رضایت داشتند و ۹۲ درصد مایل بودند دوباره در آن شرکت کنند. این الگو به کارفرمایان امکان می‌دهد کارکنان‌شان را به یادگیری تشویق کنند. برگزارکننده نیز با جذب شرکت‌های بیشتر، می‌تواند مشتریان سازمانی تازه‌ای به دست آورد و بازار کتاب صوتی را گسترش دهد.

تیرگی زیر چشم کودکان همیشه نشانه کم‌خونی نیست و گاهی می‌تواند با

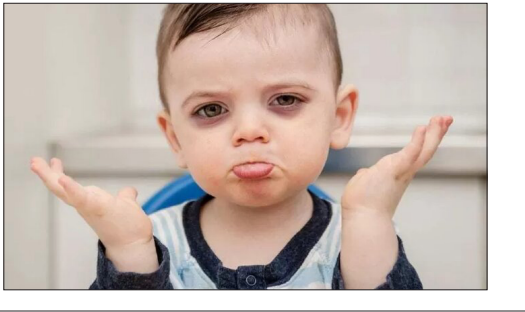
چیست؛ کم‌خونی، حساسیت یا ارثی؟

تیرگی زیر چشم کودکان همیشه نشانه کم‌خونی نیست و گاهی می‌تواند با آلرژی مرتبط باشد. یک متخصص خون و آنکولوژی کودکان درباره این باور رایج میان والدین هشدار داده است.

یکی از رایج‌ترین و البته اشتباه‌ترین باورهایی که در میان خانواده‌ها و حتی بسیاری از مراجعه‌کنندگان به متخصصان وجود دارد، این است که وقتی گودی یا تیرگی سیاهی در زیر چشم کودک مشاهده می‌شود، مستقما به معنای وجود کم‌خونی است. آمارها نشان می‌دهد شاید بیش از ۹۵ درصد مراجعین بر این باورند که این تغییرات رنگ پوست در ناحیه زیر چشم، نشانه‌ای قطعی از کم‌خونی است، در حالی که این موضوع لزوما درست نیست.

غلامرضا باهوش، متخصص خون و آنکولوژی کودکان در گفت‌وگو با برنامه «اینجا طبیب» رادیو سلامت توضیح داد: این تغییرات رنگی و گودی زیر چشم، در بسیاری از موارد می‌تواند نشانه‌ای از یک بیماری شناخته شده به نام ایتوپی یا همان آلرژی ذاتی باشد. بیماری ایتوپی یک نوع حساسیت ارثی است که معمولا در والدین وجود دارد و به فرزند منتقل می‌شود. وی افزود: علائم این بیماری بسیار متنوع است و می‌تواند از دوران نوزادی شروع شود. برای مثال، در ماه‌های اول زندگی و دوران شیرخوارگی، ممکن است آگزما یا التهاب‌های پوستی به صورت خشکی پوست در ناحیه گونه‌ها دیده شود. این خشکی‌ها معمولا به صورت چربی‌های در سطوح خارجی اندام‌ها ظاهر می‌شوند و با افزایش سن، ممکن است در نواحی داخلی‌تر نیز دیده شوند. این متخصص خون و آنکولوژی کودکان تصریح کرد: بیماری ایتوپی با حساسیت‌های محیطی مانند گل و گیاه نیز در ارتباط است. بروز التهاب در ناحیه اطراف چشم، غشیه‌های مکرر، رینیت آلرژیک و سینوزیت‌های آلرژیک از دیگر نشانه‌های این وضعیت هستند. وی افزود: همچنین، بسیاری از کودکان مبتلا به بیماری‌های راه‌های هوایی که حساسیت بیش از حد دارند، علائم خود را با این نوع آلرژی‌ها نشان می‌دهند.

باهوش در پایان متذکر شد: نکته بسیار مهمی که والدین باید به آن توجه کنند این است که رنگ پریدگی در کودکان، به ویژه در نواحی اطراف دهان و زیر گونه‌ها، می‌تواند یکی از نشانه‌های اصلی ایتوپی باشد. بنابراین، اگر مشاهده کردید که کودک شما دچار این نوع تغییرات رنگی است، حتما بررسی کنید که آیا خود شما یا همسر خودتان سابق حساسیت، آگزما یا آلرژی‌های مشابه را دارید یا خیر. وی افزود: توجه به این جزئیات می‌تواند به تشخیص دقیق‌تر و درمان صحیح کمک کند و از تشخیص‌های اشتباه، مانند تصور صرف کم‌خونی، جلوگیری کند.



هشدار نارنجی تشدید بارش‌ها

در ۱۲ استان

سازمان هواشناسی با صدور هشدار سطح نارنجی از تشدید فعالیت سامانه بارشی در ۱۲ استان خبر داد.
فعالیت سامانه بارشی از امروز پنج‌شنبه هفتم آبان تا شنبه ۹ آبان ۱۴۰۵ در مناطقی از کشور تشدید می‌شود و رگبار باران، رعدوبرق، وزش باد شدید موقت، گردوخاک و در نقاط مستعد بارش تگرگ پیش‌بینی شده است.
براین اساس امروز پنج‌شنبه استان‌های اردبیل، غرب گیلان، شرق لرستان، ایلام و کرمانشاه تحت تاثیر این سامانه قرار می‌گیرند.

فردا جمعه شمال قزوین، ارتفاعات شرق گیلان، شمال البرز، اردبیل، شرق هرمزگان، کردستان، کرمانشاه و مناطق شمالی استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی شاهد فعالیت سامانه بارشی خواهند بود.
شنبه هفته آینده بارش‌ها در استان‌های لرستان، ایلام و شمال خوزستان ادامه می‌یابد.



آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر **مدیرمسئول:** محمد مهدی رحمتی **سردبیر:** امیر اسماعیلی **دبیر تحریریه:** رضا ظریفی **مدیر داخلی:** عماد خورشیدطلب **دبیران گروه‌ها:** هادی رضایی **سیاست** | **سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه** **مجتبی مشهدی محمد فرهنگ**



خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا

کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳ ۰۲۱-۰۴۷۱۶۰۹۲۰

www.Agaah.ir

m@agaah.ir

agaah_ir

پنج‌شنبه ۷ آبان ماه ۱۴۰۵ ۱۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۶	
اذان صبح	۰۴:۵۲
اذان ظهر	۱۱:۴۹
اذان مغرب	۱۷:۴۰
نیمه‌شب شرعی	۲۳:۰۷



کلات نادری: قطب تولید گردوی خراسان رضوی

شهرستان کلات نادری درسال ۱۴۰۵ از ۶۵۰ هکتار باغ گردو، بیش از هزار و ۵۰۰ تن محصول برداشت کرده است؛ محصولی با مغز روغنی، طعم مطلوب و پوست چوبی نازک که علاوه بر تأمین نیاز بازار محلی، به مشهد نیز عرضه می‌شود. روستاهای سرردو، حمام قلعه و سبئی کهنه از مناطق تولید گردو در شهرستان کلات هستند که باغ‌های کوهستانی آنها بخشی از ظرفیت کشاورزی منطقه را تشکیل می‌دهند.

عکس: سیدرسول عزیزی / ایسنا

بیماری‌هایی که با افزایش سن بیشتر سراغ افراد می‌آیند

■ **آرتروز:** متأسفانه تشخیص زودهنگام این بیماری، پیچیده است و تعداد افرادی که در کهنسالی به این بیماری مبتلا می‌شوند را نمی‌توان به‌طور دقیق محاسبه کرد. این اختلال شناختی توانایی افراد مبتلا را برای مراقبت از خود کاهش داده و آنها و اطرافیان‌شان را گرفتار مشکلات طاقت‌فرسا می‌کند.
■ **پوکی استخوان:** پوکی استخوان تحرک را از افراد مسن گرفته و آنها را در معرض شکستگی‌های پی‌درپی قرار می‌دهد و زندگی سالمندان را سخت می‌کند.
■ **زونا:** احتمال ابتلا به زونا در افراد بالای ۶۰ سال بسیار بالاست. این بیماری عفونی موجب خارش و درد زیاد در فرد مبتلا می‌شود.
■ **بیماری‌های دهان و دندان:** معمولاً بیشتر افراد بالای ۶۵ سال، دندان‌های طبیعی خود را از دست می‌دهند. همچنین با افزایش سن، محیط دهان خشک‌تر شده و پوسیدگی‌های دندان‌ها بیشتر می‌شود.
از دیگر بیماری‌های دوران سالمندی می‌توان به اضافه‌وزن و چاقی، مصرف اشتباه دارو، نداشتن تعادل و مرتب زمین خوردن‌های آسیب‌زا، بیماری‌های کلیوی و همچنین افسردگی اشاره کرد. برای پیشگیری از این بیماری‌ها باید مرتب وضعیت جسمی خود را بررسی کنید و آزمایش‌های سالانه را از قلم نیندازید. افزایش تحرک‌های فیزیکی و پرهیز از مواد غذایی مضر تا حد زیادی شما را از بیماری‌های دورنگه داشته و دوران سالمندی شادی را برای‌تان تضمین می‌کند.
منبع: everydayhealth

زمان جابه‌جایی لاستیک‌های خودرو چند وقت یک‌بار است؟

از این چرخ به اون چرخ...

جابه‌جایی لاستیک‌ها در هر هشت تا ۱۰ هزار کیلومتر چرخ متعادل کردن فرسایش چرخ‌ها، از سایش زودهنگام جلوگیری کرده و عمر تایرها را افزایش می‌دهد.
جابه‌جایی دوره‌ای لاستیک‌های خودرو یکی از اقداماتی است که می‌تواند از فرسودگی نامتوازن تایرها جلوگیری کند و عمر مفید آنها را افزایش دهد. با این حال، بسیاری از رانندگان تا زمانی که تفاوت ساییدگی چرخ‌های جلو و عقب به چشم نیاید، به این موضوع توجه نمی‌کنند. پرسش اینجاست که هر چند وقت یک‌بار باید جای چرخ‌های خودرو را عوض کرد و آیا این کار برای همه خودروها ضروری است؟
به‌طور معمول، جابه‌جایی لاستیک‌ها هر هشت تا ۱۰ هزار کیلومتر می‌تواند بازه مناسبی برای بسیاری از خودروهای سواری باشد؛ با این حال، اولویت با توصیه شرکت سازنده خودرو است. برخی سازندگان با تولیدکنندگان تایر، بازه‌های متفاوتی را پیشنهاد می‌کنند و ممکن است شرایط رانندگی نیز زمان مناسب این کار را تغییر دهد. برای مثال، رانندگی مداوم در ترافیک سنگین، حمل بار زیاد یا تردد در مسیرهای نامووار می‌تواند موجب افزایش یا نامتوازن شدن سایش لاستیک‌ها شود.
بهتر است زمان جابه‌جایی لاستیک‌ها با سروسیس‌های دوره‌ای خودرو هماهنگ شود تا انجام آن به تعویق نیفتد. همچنین، اگر پیش از رسیدن به کیلومتر توصیه‌شده، ساییدگی غیرعادی در یکی از لاستیک‌ها مشاهده شد، باید علت آن بررسی شود و در صورت لزوم، جابه‌جایی زودتر انجام گیرد.

چرا باید جای لاستیک‌های خودرو را عوض کرد؟

لاستیک‌های جلو و عقب همیشه به یک اندازه فرسوده نمی‌شوند. در بسیاری از خودروهای دیفرانسیل جلو، چرخ‌های جلو علاوه بر هدایت خودرو، نیروی محرکه را نیز به سطح جاده منتقل می‌کنند و بخش مهمی از نیروی ترمزگیری را تحمل می‌کنند. به همین دلیل، ممکن است سریع‌تر از لاستیک‌های عقب



##تجربه_کردم

سختی‌ها و موقعیت‌های پیچیده زندگی می‌آن که ما رو از «زنده بودن»، به احساس «زندگی» برسونن... و در این مسیر، همه ما رو- جسارته- از بی‌شعوری (در برابر دنیا) به شعور برسونن... که بفهمیم اصل دنیا فقط به «گذرگاه»ه، همین! کسی که شعورش روز و رتو رو بیشتر دریافت کنه، بیشتر ا رقیبه دل آروم می‌شه.

سیدمحمد ساداتاخی / نشرپرنده

قابلیت‌های عجیب یک «ماوس»

با نمایشگر

یک ماوس جالب دارای صفحه نمایش لمسی وارد کمپین کیک‌استارت‌ترشده است که فورست قابلیت‌هایش مرزهای نوآوری را جابه‌جا می‌کند. ایده عجیب و متفاوت تعبیه یک صفحه‌نمایش لمسی روی ماوس، چندان هم جدید نیست. شرکت Turtle Beach پیشتر با محصول Command Series MCV چنین کاری کرده بود؛ ماوسی که به یک نمایشگر کنترلی ۲٫۲۵ اینچی مجهز است، اما ظاهراً همین هم به اندازه کافی عجیب نبوده تا شرکت Arctic Fox Technologies را راضی کند.
به گزارش دیجیتال‌ترندز، ماوس جدید این شرکت به نام سوپر ماوس (Super Mouse)، به گونه‌ای ساخته شده که گویی کسی ماوس‌های بزرگ و قدیمی‌آثاری ST را برداشته و یک صفحه‌نمایش لمسی و اسکرول به آنها اضافه کرده است.
نتیجه، ماوسی با ظاهری نامتعارف است که بعضی از قابلیت‌های آن واقعا جالب توجه هستند. سوپر ماوس به صفحه‌نمایش لمسی ۱۳٫۱ اینچی با وضوح تصویر ۷۲۰ در ۷۲۰ پیکسل مجهز شده است. این نمایشگر می‌تواند برنامه‌ها را اجرا کند، میان‌برها را فعال کند و حتی با یک لمس، مجموعه‌ای از مراحل کاری را به اجرا درآورد.

جالب‌تر اینکه کنترل‌های نمایشگر به صورت خودکار و متناسب با برنامه‌ای که کاربر در حال استفاده از آن است، تغییر می‌کند. به نظر می‌رسد این قابلیت برای طراحی‌هایی که اثماً میان فتوشاپ، فیگما و دیگر نرم‌افزارهای طراحی جابه‌جا می‌شوند، کاربردی باشد. این ماوس همچنین قابلیت تبدیل گفتار به نوشتار را در بیش از ۹۰ زبان ارائه می‌دهد. به گفته شرکت سازنده، پردازش این قابلیت به صورت محلی و روی خود دستگاه انجام می‌شود.

علاوه بر تمام این قابلیت‌ها، ماوس به کلیدهای فیزیکی موسوم به Hyper Keys نیز مجهز است که برای اجرای ماکروها، یعنی مجموعه‌ای از فرمان‌های از پیش تعریف‌شده، کاربرد دارند. مدیریت تمام این قابلیت‌ها و شخصی‌سازی آنها از طریق اپلیکیشن Flow انجام می‌شود که برای ویندوز و مک در دسترس است.



اضطراب کودک را با لجبازی او

اشتباه نگیرید

یکی از دلایل دشوار بودن تشخیص اضطراب در کودکان این است که آنها همیشه نمی‌توانند احساس خود را با کلمات بیان کنند. اضطراب در کودکان شایع و واکنش طبیعی آنها به موقعیت‌های تازه یا تهدیدکننده است، اما وقتی شدت گرفت، طول کشید یا زندگی روزمره کودک مختل شد، دیگر نباید آن را نادیده گرفت. مسئله، زمانی اهمیت پیدا می‌کند که اضطراب چند هفته ادامه پیدا کند.
زهره صیفی‌کاران، روانشناس کودک و نوجوان در این زمینه می‌گوید: «یکی از دلایل دشوار بودن تشخیص اضطراب در کودکان این است که آنها همیشه نمی‌توانند احساس خود را با کلمات بیان کنند. به همین دلیل اضطراب ممکن است به‌جای یک جمله واضح درباره ترس، خودش را در رفتار یا حتی زبان بدن کودک نشان دهد.»

این روانشناس کودک درباره علائم اضطراب کودکان می‌گوید: «دل درد و سردردهای مکرر بدون علت پزشکی مشخص، خستگی، تپش قلب، تعریق، احساس تنگی نفس یا گرفتگی در گلو از جمله نشانه‌های جسمی اضطراب هستند. مشکلات خواب، دیر خوابیدن، کابوس دیدن یا ترس از تنها خوابیدن، تغییر اشتها و احساس تنش مداوم در بدن نیز ممکن است با اضطراب ارتباط داشته باشد.»

والدین چطور اضطراب کودک را کم کنند؟

نحوه واکنش والدین در برابر اضطراب کودک اهمیت زیادی دارد. صیفی‌کاران تأکید می‌کند: «بهتر است والد به جای پاسخ دادن مکرر، مهارت‌های مدیریت اضطراب را به کودک یاد بدهد. تنفس آرام (چهار تانیه دم، چهار ثانیه مکث و ۶ تانیه بازدم) و تکنیک «۵-۳-۲-۱» که توجه کودک را به حواس پنج‌گانه و زمان حال معطوف می‌کند، می‌تواند به کاهش افکار اضطراب‌زا کمک کند.» به گفته او، «فعالیت بدنی و بازی آزاد، خواب و وعده‌های غذایی منظم و داشتن برنامه روزانه قابل پیش‌بینی هم در کاهش اضطراب کودک موثرند. همچنین بهتر است دسترسی کودک به محتواهای اضطراب‌زا، از بازی‌های هیجانی و خشن دیجیتال تا اخبار مربوط به بیماری‌ها، حوادث و بلایا متناسب با سن او محدود شود.»

چه زمانی کودک نیاز به متخصص دارد؟

هر اضطرابی نیازمند مراجعه به متخصص نیست، اما به گفته کارشناسان، اگر نشانه‌های بیش از چهار تا ۶ هفته ادامه پیدا کند، عملکرد کودک در مدرسه یا روابط اجتماعی مختل شود یا با مشکلات شدید خواب، افت خلق یا رفتارهای خودآسیب‌رسان همراه شود، مراجعه به روانشناس کودک یا روانپزشک کودک ضروری است.

